

# جنگ با عراق ولزوم ارتشی قدرتمند

شواهد داخل نوار مرزی ایران نیز  
سرایت کرده است .  
کستای و فاجات حکومت بعثی  
عراق را نمی توان تنها به ماهیت  
آن و طرح های حاکمان امپریالیستی آن  
محدود کرد ، بلکه ارزیابی جلا دان  
خلق عراق ، درباره نیروهای مسلح  
کشور ما نیز زمینه ای را فراهم آورده  
که چشم طمع به قسمتهای از خاک گسور  
عزیز ما را در سر بیرو را تندو علاوه بر  
جا دادن به سربازهای مسلح بالسران  
واویسی و کمک رسانی به بخشی از  
جنگ افروزان در کردستان ، دست به  
جنگ علیه ملت ما بزنند .

ما بارها بر نیاز تقویت فوای  
مسلح کشور را رورزیده ایم و هر ور  
که میگذرد دمحت این نظر ما ثابت  
می گردد .  
امروز کشور ما در یک جنگ کامل  
ولی اعلام نشده ای قرار دارد . حکومت  
بعث عراق تحت نفوذ حاکمان  
امپریالیستی خود برای سندان  
کردن تضادهای روز افزون داخلی  
با بیانه قرار دادن یکسری مسائل ،  
جنگ تجا و زکارانه ای را علیه کشور  
ما آغاز نموده است . این جنگ امروز  
از شمال تا جنوب مرزهای غربی  
کشور را در بر گرفته و بر طبق اخبار و

آنجا که با داشتن دوستان  
چون اوایی از توان ووش فوای  
مسلح کشور ما آگاهی دارند ، حال با  
محاسبه و با احتساب با کمزاری بیست  
از دوازده هزار نفر افسر و درجه دار ،  
تضعیف ارگانهای مختلف ارتشی ، یک  
سری مشکلات تکنیکی و بالانرا همه  
اینها جنگ و تیردندست به فوای  
مسلح کشور ، تلاش دارند از موقعیت  
بهره برداری کنند .  
اینکه در مقابل با اسر قدرتها  
با اید اساسی دفاعی کشور را ارتش  
بیست میلیونی تشکیل میدهد ، به  
بقیه در صفحه ۲

# جواب به مشکلات معیشتی و خواسته های رفاهی مردم، امری فوری است

\* امام خمینی

خطاب به نخست وزیر:

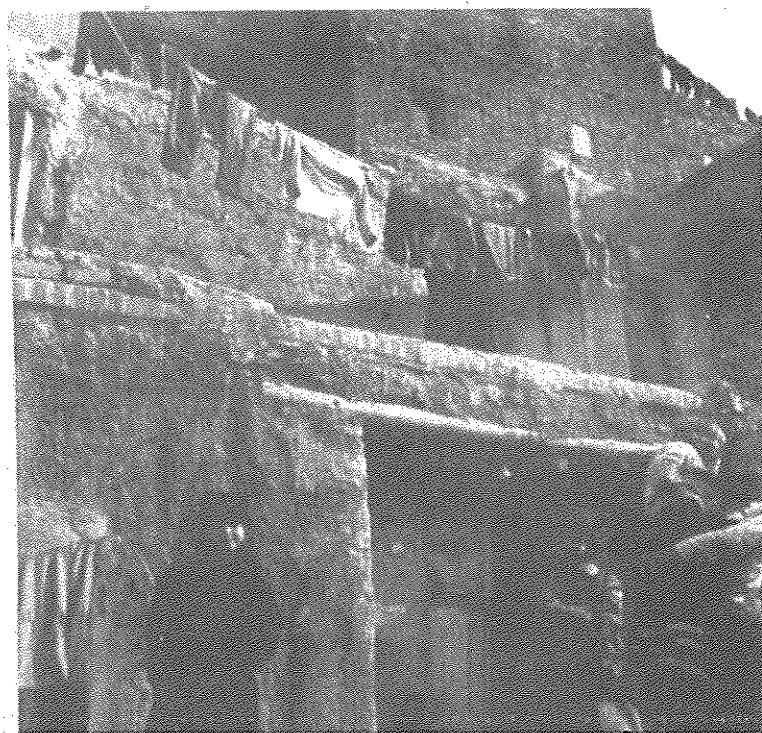
در آس بر نامه هاتان برای این بیچاره ها، این  
مستضعفین که هستند، برای اینها کار بکنید

چندی پیش به همراة نگل ترفتن دولت  
جدید، بحتی در جامعه شکل گرفت که تعبیری  
جدید و کاملاً انحرافی از مسئله ای به نام  
عدالت اجتماعی و رفاه مردم بدست میداد .  
بر اساس این بحث و نظر، مسائل رفاهی  
توده مردم از اهمیت زیادی برخوردار نیستند

و آنچه که برای حکومت اهمیت دارد مکتب  
است و حتی خواهان این نظریه مسائل رفاهی  
مردم را "توفقات کاذب و بی جا" نامیدند  
و اعلام نمودند که بی باید این توفقات را به  
بحث های ایدئولوژیکی تبدیل کرد !  
در هنگام طرح این نظریه نادرست ، ما  
مطالبی را عنوان کردیم و از این نظریه انتقاد  
نمودیم . اما با توجه به تاثرات منفی که چنین  
افکاری می تواند در زندگی و سربوشت توده  
مردم بجا گذارد ، با توجه به نطاتی که این  
نظریه می تواند به انقلاب وارد بآورد با توجه  
به عدم وجود شواهدی دال بر تصحیح این  
اشتباه از طرف طراحان آن ، ضروری می دانیم  
این بحث را از زوایای مختلف ادامه دهیم .

— اسلام مبارز و رفاه توده مردم —

هیچ مکتب مردمی را نمی توان نام برد  
که در برنامه خود توجه ویژه به عدالت  
اجتماعی و رفاه توده مردم ننموده باشد .  
مردمی بودن و اساسی بودن هر مکتبی در  
وهله اول با این معیار سنجیده می شود که تا  
چه حد در خدمت توده وسیع مردم و بخصوص  
افشار ستمدیده تر جامعه قرار دارد . مکتب  
انقلابی که خواهان زیر درد کردن روابط نام  
برابر و بر قرار نمودن روابطی نو هستند به  
طور اساسی و پایمانی به این مسئله توجه دارند  
و تلاش در ایست که روابط نام عادلانه کهن را  
برانداخته و روابطی عادلانه بنا نهند تا در  
برتو آن توده مردم که در چار چوب روابط



## همه پرسشی در شیلی: یک نمایش مسخره

روز سه دیکتا توریست بیست و نه در شیلی  
روز جمعه گذشته (۲۸ سپتامبر) دست یک  
نمایش مسخره برای "تحکیم رژیم  
بوسه خود و فاجاتی کردن دیکتاتوری  
خود را .  
دریک همه پرسشی فرمایشی که قرار بود  
مردم پاسخ آری یا نه سابقای  
بیست و نه عنوان دیکتا توریستی تا  
سال ۱۹۸۹ بدهند . قبل از اعلام  
این با عطلات همه پرسشی کلیه نیرو -  
های استقلال طلب و آزادیخواه آنرا  
محکوم و از مردم خواستند که آنرا  
تحریم کنند .

نتایج این "همه پرسشی" مثل  
با بر همه پرسشی های قبلی از قبل  
مطلوب بوده و تیروزی "کامل بیست و نه  
منجر شد . بطوریکه دستگا هیجانی  
تسلیماتی بیست و نه قرار می دهند  
۶۷/۵۴ درصد آرا بیست و نه ابقا رژیم  
دیکتا توری بیست و نه بوده است !  
توجه به مقاومت وسیع مردم شیلی  
بقیه در صفحه ۲

نهضت  
ضد ایران  
نوشتنهای از  
مهندس بازرگان  
در صفحه ۴

ارتش روسیه  
سیاست  
«سرزمینهای  
سوخته»

خونخوار، که تا واپسین دم وجود ساطور قضای خود را بر زمین نخواهد گذاشت، قرار دارند. این خصوصیت عمیق ریشه‌هایی دارد که با همه جوانب حیات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی ایران انقلابی مربوط می‌گردد. ستمی که طی یک قرن از جانب قدرتمداران کاخ سفید بر مردم رنج‌دیده این مریزوم وارد آمده و هنوز هم منتهل خسارت ادامه‌دار آن می‌باشد، چنان است که همه ستم‌های خشم و نفرت ملت ما علیه آمریکا را برحق می‌سازد.

بهمین جهت نیز اشغال لانه‌جاسوسی امریکانوسط "دانشجویان بیرو خط‌امام" نمی‌توانست از لحاظ حقوق بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد. از اینرو نیز حتی جسی مخالفین این عمل در سطح بین‌المللی هر چند از جهت توانین جاری بین‌المللی این کار را تقبیح نمودند، اما نتوانستند حقانیت ملت ایران در ابراز نفرت و خشم ضد امریکائی را نادیده بگیرند.

لیکن امروز بعد از نزدیک به یکسال که از ماجرای گروهان‌گیری می‌گذرد دیگر مسئله‌از جهت حقانیت آن مطرح نیست، بلکه از جهت مصالح و لزومات مبارزه ضد امریالیستی و بویژه مبارزه علیه امریالیسم امریکا است که باید آنرا بررسی نمود خصوصا "که کشور ما اکنون با تشکیل مجلس که وظیفه تصمیم‌گیری نهائی در این باره را دارد، با سؤال چه باید کرد رو به روست و نه درست بودن یا غلط بودن خود مسئله.

بی‌جهت نیست که در روزهای اخیر مقالات و سخنرانیهای متعددی در این باره نوشته‌شده و ایراد گردیده و هر کس بنا بر وضع و حال و هدف خود راهی را عرضه می‌کند.

امام خمینی بمنابه بالاترین رکن نظام حاکم بر کشور طی بیانی به زائران عکه نظر خود را بصورت روشن و صریح اظهار داشته چنین گفته‌اند: "بارها گفته‌ام که گروهانگیری توسط دانشجویان مسلمان و مبارز و متعهد ما عکس‌العمل طبیعی صدماتی است که ملت ما از آمریکا خورده است و آنها فعلا" با باز پس دادن اموال "شاه معدوم و "لغو تمام ادعاهای آمریکا" علیه ایران و "شمانت به عدم دخالت سیاسی و نظامی آمریکا" در ایران و "آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ما" آزاد میگردند. ....

این سخنان امام جای شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد و بیروان خط او نیز علی‌القاعده مجبورند این موضع را بپذیرفته و بدان گردن نهند. اما واضح بدین سوال نیست. عده‌ای مخالف این امراند و بر این فکراند که گروهانها نباید آزاد گردند زیرا چنین کاری ب مفهوم خدشه دار کردن مبارزه ضد امریالیستی بویژه ضد امریالیسم امریکا است. آنها از جوانب و پایه‌های مختلفی استدلال می‌کنند. یکی آزاد کردن گروهانها را سیاست لیبرالهایی دانند، دیگری مسئله خود را بر پایه حمله غیر مستقیم بر وزیر امور خارجه تحت عنوان اینکه وی اصلا "دانشجویان مسلمان بیرو خط امام مخالف است و غیره، قرار میدهد. و جالب اینکه اینها همه خود را نماینده واقعی مبارزه علیه امریالیسم امریکا می‌شمارند. در بدو امر با فشاری آنها همانند یک جانبه‌گرایی کودکان سیاسی است که از مبارزه، ادامه غیرالمنه‌ایه هر حرکت و موضعگیری را می‌دانند و از منطقی مرغ یک یادارد تبعیت می‌کنند. اما حقیقت این نیست. آنها علاوه بر قلت شعور سیاسی، آنچنان هم کودک نیستند و خوب می‌دانند چکار می‌کنند.

هرکس که از حد افراط فهم و دانش سیاسی برخوردار باشد می‌داند که امریالیسم امریکا نه تنها مساوی ۵۰ گروهان لانه جاسوسی نیست، بلکه مساوی قرار دادن آنها در واقع تلاش برای تحقیر مردم است والا مردم سراسر جهان می‌توانستند با گروهان گرفتن کارکنان سفارتخانه‌های امریکا کار او را تمام کرده و در یک طرقة‌العین کار امریکا را بسازند. ۵۰ گروهان مورد بحث و آدمهایی از قماش آنان چیزی جز مهره‌های بی‌ارزش نمی‌باشند که صاحبان قدرت در واشنگتن دهها هزار تن از آنان را در هر تجاوز نظامی و برای غارتگری و چپاول خویش فدا کرده و می‌کنند.

از سوی دیگر برگرداندن مسئله مبارزه ملت ما با امریکا بر روی مسئله گروهانها، در واقع دادن آوانس‌های بزرگ باین جنایتکار تاریخ است تا از زحمت روبرو شدن با انقلاب ما در جبهه‌های اصلی مبارزه خلاص شود.

کارتر مسئله گروهانها را بمنابه بهترین وسیله برای مرجم‌گذاری بر زخم‌هایی که می‌توانست سرنوشت او را در دو دین دور ریاست جمهوریش تغییر دهد بطور وسیعی مورد بهره برداری قرار داد. وی با کمک دستگاههای انحصاری تبلیغاتی امریکا و سرو صدای بین‌المللی توانست برای مدتی کوتاه بر دیگر مسائل سایه‌اندازد و مبارزه انتخاباتی خود را جلو برد.

لیکن بیوارات همین امر نیز مسئله گروهانها بیک مسئله مهم سیاسی تبدیل شد که کارترو اعوان و انصارش می‌بایست بدان جواب گویند. تلاش مذکورانه ماجرای طبع هر چند که احتمال شق سودجویی تبلیغاتی کارتر برای انتخابات را منتفی نمی‌کند، معینا نشان داد که همانند وضع استراتژیک و عمومی امریکا، کاخ سفید عاجز از آن است که ماجرای گروهان گیری را با یک برنامه حساب شده و بردن سود سیاسی بفتح خویش تمام کند و در عین حال سیاست "اعمال قدرت" و جنگ و دزدان نشان دادن به ایران را ادامه دهد. بنابراین امریکا ناچار بود که پس بزند. خصوصا "زمانی که با از میان رفتن شاه که شاید خودشان در آن دستی داشته‌اند و در نتیجه منتفی شدن استرداد وی، عقب نشینی امریکائی آنرا تر گردیده است. از این روی ادموند ماسکی وزیر خارجه امریکا نامه استمالت حویله‌ای به نخست وزیر ایران نوشته و در آن بطور ضمنی به "لطایف" گف ایران از جانب امریکا متحمل شده است اشاره می‌کند.

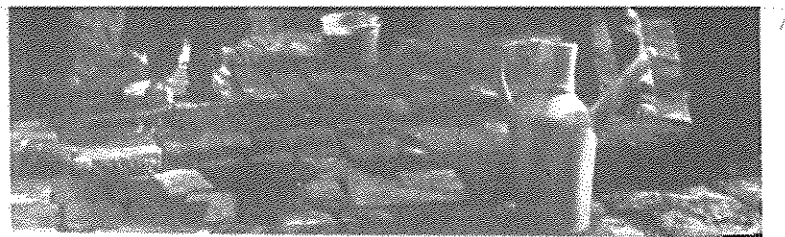
با تکامل اوضاع رهبر انقلاب ایران آزادی گروهانها را با طرح چهار شرط کنوسی مربوط می‌سازد و قاعده تا "همه کسانی که سنگ تبعیت از ایسان را به سینه می‌کوبند باید آنرا بپذیرند. زیرا بدین ترتیب ایران با شکستن روابط، یعنی که به فتح امریالیسم امریکا بوده و با اتحادیک دیپلماسی صحیح قادر می‌شود مسئله گروهانگیری را علیرغم همه مشکلات و اشتباهات به نتیجه‌ای موفق برساند.

اما همانگونه که گفتیم این راه‌یمن‌ها بعضی‌ها خوش نمی‌آید. دارودسته کیابوری که تا دیروز گروهانگیری لانه جاسوسی امریکا را بحرئش اعلا می‌رساندند، ناگهان یادشان می‌آید که "امریکا ایران را می‌خواهد و نه گروهانها را". گوئی تا دیروز امریکا میلی به داشتن ایران

آنان وارد می‌شد. در روابط جدید سادینند و بهروز گردید و بر زندگی، کار و معاش آنان رفاه و ترقی حاکم گردد.

اسلام مبارز نیز از این قاعده مستثنی نیست. اسلام مبارز بعنوان یک جریان فکری مردمی، از طرف نمایندگان برجسته و صاحب نظر آن، مکتبی در خدمت نموده مستضعف مردم معرفی شده است و این مطلب تازه و جدیدی نیست. در صدر اسلام نیز از طرف

بقیه در صفحه ۶



## وحدت آری، ولی چگونه؟

# وحدت سیاسی یا وحدت ایدئولوژیک؟

در شماره قبل گفتیم که وحدت ضرورت اساسی و حیاتی جامعه ما و ادامه انقلاب است. لیکن برای رسیدن به وحدت همان‌طور که گفتیم بجای سرپوش گذاشتن بر روی اختلافات باید به طرح آشکار آنها و کوشش در رفع آنها پرداخت. اکنون باید یک مسأله مهم دیگر را نیز که بر سر آن ناروشنی و سردرگمی فراوان موجود است روشن کنیم. آیا وحدت باید ایدئولوژیک باشد یا سیاسی؟ به عبارت بهتر، آیا برای ادامه انقلاب، ما به وحدت ایدئولوژیک نیاز داریم یا به وحدت سیاسی آنها؟ آیا کافی است مردم را به گرد یک ایدئولوژی معین متحد کنیم یا بر محور یک برنامه سیاسی مشخص؟

یکی از مشکلات اساسی که امروز مانع وحدت نیروهای مختلف استقلال طلب جامعه ما شده روشن نبودن مفهوم وحدت است. بسیاری از عناصر چنین تصور می‌کنند که به صرف اعتقاد به اسلام به مثابه ایدئولوژی واحد، مسأله وحدت نیز حل شده و تفرقه در میان نیروهای مؤمن اسلامی امری غیرس طبیعی و صرفا ناشی از خودخواهی‌های فردی است. بر همین مبنا چنین تصور می‌شود که وحدت تنها در میان نیروهای اسلامی ممکن و قابل قبول بوده و مثلا اتحاد میان مسلمان مبارز و مارکسیست مبارز درست و اصولی و ممکن و میسر نیست. به عبارت خلاصه، تصور رایج بر این فکر استوار است که اعتقاد بسد ایدئولوژی اسلامی برای وحدت نیروها هم لازم و هم کافی است.

اما در عمل، ما در جامعه خودمان شاهد آنیم که در میان نیروهای اسلامی نه تنها بر سر درک و تفسیر و برداشت از ایدئولوژی اسلامی اختلاف کم و بیش عمیق و گاه تا سازگار موجود است، بلکه خمچین در مورد راه و برنامه، سبب یارده کردن این ایدئولوژی در شرایط مشخص زمانی و مکانی ایران نیز اختلافاتی عمیق و گاه متضاد و حتی آسنی نا بدیررس وجود است.

در کلیات، غالبا همه با هم موافقند، لیکن به محض اینکه قدم‌های مشخص برداشته

بنا بر این، برخورد درست این خواهد بود که آرکیلیات گذر کرده، قدم های مشخص برداشته شود، اختلافات بوروی میریخته شود بی سوس و واهمه به آنها برداشته شود. در چنین صورتی، اختلافات هر چند هم عمیق باشد مکان حل آنها موجود است و در صورت حل آنها اختلافات و رسیدن به درک واحد

امور مشخص، حل اختلاف در درک و بیشن نسبت به ایدئولوژی نیز آسان می‌گردد (یعنی اینکه طرفین سرانجام در می‌یابند از ایدئولوژی مورد نظر خود بطور ملموس و زنده چه می‌فهمند). در غیر این صورت هیچ فایده

بقیه در صفحه ۶

## مجلس نه شرقی، نه غربی و وحدت سوریه و لیبی

در جلسه گذشته مجلس شورای اسلامی، بحث اسلام‌ها شمی رفسنجانی پس از ابراز اشتیاقی شخصی خود از وحدت سوریه و لیبی، مجلس را نیز دعوت به اشتیاقی از طریق ادای تکبیر نمود و بدین ترتیب ظاهرا مجلس شورای اسلامی بدون هیچ بحث و شور و بروری "وحدت که جای بحث بسیار دارد ردمحه گذارد.

در آغاز، پرسیدنی است که آیا سبب اشتیاقی "که قبلا برای تا شمس سخنان امام در اجتمعات بوده‌ای به کار میرفت، چگونه و بر طریق کسدام آیین تا مه و نظام منا مه و بر اساس کدام منطق به مجلس راه یافته و برای تا شمس مثل مهمی ما سند و حسد سبب سوریه و لیبی بکار گرفته میشود؟

بقیه در صفحه ۲

## در اثر بمباران روسیه در افغانستان، صدهزار نفر به کابل پناهنده شدند

اخبار رسیده از کابل حاکی از بمباران های شدید و بی‌رحمانه روستاهای حومه شهر کابل توسط هواپیماهای روسی میکنند که در نتیجه آنها، صدها هزار نفر از روستائیان مجبور به ترک روستاهای خود و فرار به کابل گردیده‌اند. کلیه شواهد حاکی از آنست که این بمبارانها استثنائی یا اتفاقی نبوده، بلکه بخشی مهمی از تاکتیک جنگی جدید اشغالگران روسی برای سرکوب مبارزه مردم را تشکیل میدهند.

جنگجویی این تاکتیک حمایت کارانه که قبلا نیز توسط امریالیسم امریکا در هندوچین عطا شده بود بقرار زیر است: روستاها و به ویژه آن روستاهائی که مجاهدین در آنها دارای نفوذ و پایه بوده‌ای باشند با بمبارانهای موحش و متوالی یا خاک بیکان گشته، مزارع روستائیان به آتش کشیده شده و چمنها و فنوآت با مواد شیمیائی مسموم میگردند، شدت حرا بیها و استمرار حملات هوائی که با تلفات جانی و مالی فراوانی همراه‌اند، روستائیان را مجبور به ترک خانه و دیار کرده و روانه شهر های نزدیک و یا مناطق "سفید" یعنی مناطقی که مجاهدین در آنها دارای نفوذ کمتری هستند، میسازد.

اهداف اساسی این برنامه را نکات زیر تشکیل میدهند:

— جدا کردن مجاهدین مسلح از پایه نوده‌ای خود و متفرق گردن آنها در میان ساکنین روستاها که محل اصلی فعالیت و مبارزه سلطانه آنان است.

— امریالیسم اشغالگر روس تلاش میکند با راندن نوده‌های روستائی به شهرها و مجاهدین مسلح به کوهستانهای خالی از سکنه، مجاهدین را اولاً از سیخ نیروهای جدید و تازه نفس و ثانیا از منبع اصلی تامین نیازهای زندگی (خواربار، پوشاک، ... ..) محروم سازد.

— نیروهای اشغالگر روسی تلاش میکنند با راندن روستائیان به درون شهرها و مجتمع نمودن آنها در شهرهای بزرگ که محل سرکر ارتش روسیه است، شرایط مناسبی برای کنترل نوده‌ها، جلوگیری از پیوستن آنها به مجاهدین و سرکوب و خشیانه هر گونه مقاومت مردم را فراهم سازند. این برنامه بی‌شک تا ابدان شهرکهای استحفاظی (شبه آنچه ارتش امریکا در وینام عملی کرده بود) و جلوگیری کامل از رفت و آمد آزادانه مردم در کشور، حلو خواهد رفت.

تشدید عطیبات فاشستی ارتش روسیه علیه مجاهدین و مردم افغانستان در عین حال که ماهیت امریالیستی و جنایتکار این "حامی" دروغین خلفا را برونی‌تران میسازد، نشانه ضعف و شکست روسیه نیز هست. دست زدن به عطیباتی از قبیل حالی کردن دهات و راندن سکنه آنها به شهرها نشانه شکست کامل و مفتضحانه ناکسنگ اولیه ارتش روسیه یعنی "سرکوب برق آسای" مجاهدین در

بقیه در صفحه ۲

# اخبار نیر و های سیاسی

## چریکهای فدائی

### واپور توفیسم «اکثریت»

برخورد های پراگماتیستی اکثریت نهدرجریان علنی شدن مبارزه ایدئولوژیکی بل در تمام تحلیلها به چشم می خورد. بررسی این واقعه تا واقعه بعد، ارائه تحلیل های متضاد درباره یک جریان مشخص، غیر طبقاتی بودن دید اکثریت و پراگماتیستی برخورد کردن آنها را با مسائل نشان می دهد. ... (کار ۷۳).  
 "نبرد جنوب"، سپس به "سیاست سازگاران" چریکهای اکثریت درقبال دولت برخورد کرده و یاد آور می شود که "اکثریت کمیته مرکزی" با در پیش گرفتن این سیاست "علا راء خود را از مبارزات توده ها جدا کرده" و "می گوید که مسائل مورد مشاجره و علل انشعاب را صرفا در برخورد با مشی مسلحانه مورد ارزیابی قرار دهد تا بدین طریق و در دنباله ی سیاست های سازگاران خود اعضاء و هواداران سازمان را از پرداختن به مسائل حاد و مبرم جنبش (و در پاس آنها تحلیل حاکمیت) باز دارد. ... (همانجا).  
 "نبرد جنوب" معتقد است که "این گونه برخورد ها نه بخاطر ضعف تئوریک بلکه به خاطر بیش اکثریت کمیته مرکزی است یعنی که علیرغم تکیه بر مارکسیسم دینینسیم، اثری از جوهر انقلابی مارکسیسم - لنینیسم در آن دیده نمی شود و عملا سیاست های رویزیونیستی را دنبال می کند و آب به آسیاب بورژوازی می ریزد. ... (همانجا).  
 "نبرد جنوب"، سپس می نویسد:  
 "مبارزه با این جریان اپوزیونیستی به مثابه خطر عمده جنبش کمونیستی باید در دستور کار کلیه نیروهای انقلابی قرار گیرد" و "اگر حزب توده به مثابه سردمدار انحراف راست در ایران بخاطر سوابق خیانت بارش از طرف کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی طرد شده است، انحراف سازمان کمیته مرکزی با توجه به سوابق پر افتخار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و ... می تواند ضربات مهلکی بر جنبش انقلابی خلق وارد کند. ... (همانجا).

## چریکهای فدائی خلق ایران:

"چریکهای فدائی خلق ایران" - گروه اشرف دهقانی - نیز در اعلامیه ای به مناسبت ۱۷ شهریور، به دار و دسته کشتگر - نگهدار و باند گیانوری در حزب توده، برخورد کرده و می نویسد: "ولی نکته مهم دیگری که باید از مبارزات گذشته آموخت، تکیه به رهبران و آن نیروی سیاسی است که مجیز به ایدئولوژی طبقه کارگر بوده و تمام نظرات و اعمالش در جهت منافع خلق است. بارزترین خصلت این نیرو آن است که به هیچ وجه اهل سازش و مباحثات با دشمن نشده است. آن حضرات

اظهار نظر گروهها و سازمانهای "جب" درباره استحاله اخیر در سازمان چریک های "اکثریت" و تبدیل آن به ابزار سیادت - طلبی ابر قدرت روس همچنان ادامه دارد. منتها علیرغم اینکه اکثر گروههای "جب" و همچنین نیروهای دیگر، دار و دسته کشتگر - نگهدار را در پاس سازمان چریکهای "اکثریت" به عنوان نوکران جدید روس که در آستان - بوسی نزارهای نوین با همبستگی های خود در حزب توده (باند گیانوری) مسایفه کنند. اند، انشا و معرفی نموده اند، مع الوصف هنوز بعضی گروهها نظیر چریکهای فدائی اعم از گروه معروف به "اکثریت" و ... فقط به جنبه سازگاری و "فرصت طلبی" این دار و - دسته در قبال بورژوازی حاکم، برخورد کرده و در این رابطه آن را محکوم می کنند.  
 آنها به استحاله و تبدیل این دار و - دسته به نوکران سوسیال امپریالیسم شوروی و به ستون پنجم بیگانه، اصلا توجهی ندارند و در برخورد به این دار و دسته، هنوز از آنها در کنار دار و دسته ضد انقلابی و مزدور گیانوری در حزب توده، به عنوان "جزئی از جنبش کمونیستی کشور"، منتها به عنوان یک جریان "اپوزیونیستی" و یک "خطر" و از عمل آنها به عنوان یک "انحراف"، نام می برند.  
 عیب کار این گروهها از اینجا ناشی می شود که خود مرز بندی روشنی با رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی و دار و دسته مزدور و خائن گیانوری در حزب توده به عنوان عامل سر سیرده سوسیال امپریالیسم ندارند و به همین علت در تجزیه و تحلیل خود از استحاله چریکهای "اکثریت" از یک گروه صرفا "مخالف" دولت (بورژوازی حاکم) به یک گروه به ظاهر "موافق" دولت، دچار سرگیجه شده و این "انحراف" را از موضع "جب" و ضدیت با نیروهای حاکم، ضربه ای به جنبش انقلابی خلق" و ... تلقی می نمایند!!  
 در این میان حتی گروهی چون گروه اشرف دهقانی نیز که ظاهرا با سوسیال امپریالیسم مرز بندی دارد، مستثناء نیست. این گروهها فراموش می کنند که بستری که دار و دسته کشتگر - نگهدار در آن رشد کرده و تا سطح نوکران سوسیال امپریالیسم روس تنزل کردند همان بستری است که خود نیز در آن قرار دارند و خود نیز در صورتی که اشتباهاتشان را تصحیح نکنند به همین سر - نوشت مبتلا خواهند شد.  
 علیهذا در زیر نمونه هایی از این نوع برخوردها را برای اطلاع خوانندگان جامی کنیم و قضاوت را به عهده خوانندگان بداریم. م. گذاریم،

همه پرسی در شیلی...  
 از صفحه اول  
 علیه رژیم پینوشه اعلام نتیجه بیست و ساختای بالائی رقم ۷۰ پیش از آنکه بنفع دیکتا توریستی با ادبیا عث بی آبرویی وی میگردد.  
 همه نیروهای آزادیخواه و میهن دوست بلاتفا مله این "همه پرسی" را یک نما پیش مسخره خواندند که سر تا پا بش تقلب بوده است. این

تظاهرات گسترده علیه همه پرسی



یکی از تظاهرات کنندگان در شهر سانتیاگو ضمن ایراد مخالفت با همه پرسی، تابلویی را با خود حمل میکند که روی آن نوشته شده "خیمه شب بازی بزرگ".

بطور متوسط روزانه ۳۵ هزار دلار به استثنای رادیو، تلوویزیون و سایر روزنامه های سا نوسر شده خرج آگهی ها و تبلیغات بنفیع "همه پرسی" و "قانون اساسی در روزنامه های جیره خوار" ال مرکز ریسو کرده است.  
 رهبر حزب دمگرات مسیحی شیلی آندرس زالدیوار "دارضابط با "هدب" گفته است "م"

بگروزیل از برگزاری همه پرسی فراموشی از طرف رژیم دیکتا توریستی پینوشه هزاران دانشجوی مرکز شهر سانتیاگو دست به تظاهرات زدند و این خیمه شب بازی رژیم را افشا کردند. بنساز بگزارشات رسیده از شیلی ایمن تظاهرات وسیعترین تظاهرات پس از روی کار آمدن رژیم نظامی حاکم و سرنگونی دولت قانونی آلمنده

## تلگرام آیت الله العظمی شیرازی به رئیس جمهور، مجلس و نخست وزیر

### مجازات ها و قضاوت های بسیاری برخلاف شرع و حتی موازین انسانیت انجام میگیرند

#### هیچگونه تفاهتی میان آمریکای جهانخوار و عواملش و شوروی خونخوار و افراد ورزیمهای دست نشانده اش قائل نشویم

حضرت آیت الله العظمی سید عبداللہ شیرازی طی تلگرامی خطاب به رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و نخست وزیر نظرات خود را بپیرامون اجرای صحیح عدل اسلامی، متمم قانون اساسی، دقت در قضاوت و اجرای صحیح سیاست نه شرقی نه غربی بیان داشته و برخی انحرافات و اشتباهات در اوضاع کنونی کشور را یادآور گردیدند.  
 آیت الله شیرازی پس از تذکراتی مطلق که "نام مقدس انقلاب و جمهوری اسلامی بدون دارا بودن محتوای مدبر صد اسلامی است بی مبسی که هرگز شایسته ایای حکومت عدل اسلامی را نخواهد داشت بلکه در صورت تخلف از واقع اسلام موجب بدبینی عموم مسلمانان و کلیه ملل به اسلام و روحانیت خواهد بود." می افزایند:  
 پس از پیروزی انقلاب اسلامی که به لطف الهی و برکات ائمه مطهرین علیهم السلام و در سایه ایمان و وحدت معجزه آسای شما قضا و محقق گشت و نیز پیروزیهای بی دردی که در مقابل رویدادهای مختلف نصیب گردیدند آزادی همگان را بین بود که هر زمان بر اتحاد دوگانگی تمام قضا را فاه گرد و احکام و قوانینی که وضع میگردد مدبر صد اسلامی بلکه بر اساس بالاترین مراتب انسانی و اخلاقی بوده باشد لکن با کمال تأسف این آرزو محقق نگردید بلکه روز بروز بر اختلافات میان قضا و مختلف ملت و ما در امور دولت افزوده گردید. لگوا بیج و قوانین و آئین نامه های که برخلاف اسلام و قانن اساسی و نظریات مراجع عظام و شخص رهبر عزیز انقلاب تصویب گردید، آنها مصادات اشاعات باطل، مجازاتها و قضاوت های بسیاری بلکه مصادرات اسوال و اعدا مهادنی برخلاف مقررات شرع و حتی موازین انسانیت انجام گرفت و میگردد. البته اعمال بسیار خوب نهاد های انقلابی از قبیل کمیته ها و دادگاه های انقلاب و جها و سازمان زندگی و خاصه فدائیکاریهای سپاه پاسداران در خور تقدیر و تشکر میباشد.

پس آیت الله شیرازی به مسئله قانون اساسی و ضرورت تدوین متمم قانون اساسی می پردازد و به تبادلی افکار و مشورت با نمایندگان مراجع و علمای اهل سنت در این زمینه اشاره میکند.

در بخشی دیگر از تلگرام در مورد مسأله قضاوت چنین می آید:  
 "منصب قضاوت از مناصب بسیار مهم دینی و الهی و سیاسی است بلکه بالاترین منصب پس از امامت میباشد که آنکه حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمودند ( لا یجلس هذا المجلس الا نسی اووصی نسی او نسی) و الهی تسلط و سبطه بر اموال و اعراض و مقدس و دما مردم مقتضی همین اهمیت و در عین حال وحش و خطر را دارد و لذا لازم است کمال دقت را در انتخاب قضات و تخصص و شناسائی هر چه بیشتر بلکه ملاحظه اخلاقی و علمیت آنان و ولسو نسبت به علما و فقهای بلد را بنما پند و در نظر داشته باشند با وجود مجتهد عادل و دسترس به او و نسبت قضاوت به افراد دیگر تمیز و تمییز بسیار است در قانون اساسی این مطلب تصریح بشود و نیز تصریح شود که هر حکم و قضاوتی که بدون موازین مذکور باشد و لوج هم باشد از نظر شرع نافذ نیست و باید قاضی در جنبه دینی و ملکات انسان در حدی باشد که احکام را بر اساس موازین اسلامی ما در نما پند بر اساس هرطن و تهمت و افترائی مالوا برو و خون مردم را مباح بداند و سیمای عدل و سلام اسلام را از بین ببرد که متاسفانه در مسواری این چنین عمل شده است."

حضرت آیت الله شیرازی در پایان بداجرای دزست سیاست نه شرقی نه غربی تا کید میوزند:  
 بر اساس خط اسلامی دولت جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نه شرقی نه غربی میباشد سیاست خارجی کشور و موضعش در برابر دشمنان اسلام یکسان بوده و هیچگونه تفاهتی میان آمریکای جهانخوار و ایدئولوژی و میان شوروی خونخوار و افراد بورژوازی دست نشانده اش قائل نشویم



# وحشت رژیم های اروپای شرقی

جنبش مقاومت در برابر اشغالگران و سلطه گران روسی، در چکسلواکی نیز موجود است و منتظا ر می رود که با پیروزی های گارگران لهستان، اوج گیری نویی پیدا کند.

در سال ۱۳۵۵ (دی ماه) جنبش ناراضیان بنام "منشور ۷۷" که عمدتاً از کلا، قضا، روزنا، میکلان دانشجویان و معلمان تشکیل شده است با برعه حیات گذاشت. این منشور را ۲۴۰ روشنفکر امضا کرده اند، یکی از اعضا و امضا کنندگان اولیه این منشور بنام "جیری لیدیسر" که یک روزنامه نگار است دو هفته پیش از چکسلواکی اخراج شد و به آلمان غربی آمد.

او میگوید "هروقت مرادستگیر میکنند ما زانویه (دی ماه) است و این یک تلاقی بخاطر ما "منشور ۷۷" در زانویه سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۵) می باشد". وی دارای سابقه طولانی در مخالفت با دولت چکسلواکی است و جزو پنج نفر اولی است که بدینسان پیگرد و تعقیب ناراضیان از طرف دولت محاکمه و محکوم شد.

او درباره اخراج از چکسلواکی گفت "ما مورین دولتی مرا تهدید کردند که اگر چکسلواکی را ترک نکنی همر لهستانی ات "الزبتا" را به غرب تبعید می کنیم و دختر بیچاره ساله خودت را اینجا نگه میداریم". "جیری" راجع به اطمینان کارگری در لهستان اظهار داشت رژیم های اروپای شرقی فشار خود را به ناراضیان به منظور جلوگیری از شیوع بیماری لهستانی افزایش میدهند.

جیری گفت که "اقشار و گروههای زیادی از ما پشتیبانی می کنند، در حزب "کمونیست" نیز عده زیادی با ما اظهار همدردی می کنند گرچه سکوت کرده اند".

وی ضمن اشاره به اوضاع چکسلواکی اظهار داشت "نی توان انتظار داشت که جنبش چینی بیگ جنبش توده ای در شرایط سیاسی موجود در چکسلواکی تبدیل شود، در چنین شرایطی همیشه عدم صدوری نماند. اما این عده محدودی که کنشده خواست اکثریت قریب با شفاق مردم اند. او در پایان گفت "من اطمینان دارم که دولت از پشتیبانی تنها تساهله مردم در برابر خود را راست بنا بر این

مخالفت فعال با رژیم آن چیزی است که اکثریت خواهان آن هستند".

مخالفت فعال با رژیم آن چیزی است که اکثریت خواهان آن هستند".

از طرف دیگر مسئولین انقلابی المللی قضا "در توضیح افشا و محکوم نمودن این باطل و همه پرسی نتایج آرایک گنجه را نقل تعیین شده خوانند.

مخالفین از هرگونه اظهار نظر و تشریح و توضیح مواضع خود نسبتاً به قانون اساسی و همه پرسی در مسائل های گروهی محروم بوده اند و این در حالست که رژیم نظامی

## ارتش روسیه ....

از منحصا اول همان هفته های اول اشغال افغانستان است. تاکنیک جدید ارتش روسیه نشان میدهد که مجاهدین افغانی توانسته اند ابتکار جنگی را بدست گیرند و امیرالیسم روسیه را بدینجواب مقابل با یک جنگ توده ای و طولانی بکنند و روسیه مجبور گشت است به این ابتکار مجاهدین تن در دهد و عملاً کلیه شهرهای آزادی شده در جنگ هندو چین توسط امیرالیسم امریکا را مورد استفاده قرار دهد (از قبیل: قتل عام زندانیان سیاسی، استفاده از سلاحهای شیمیایی متوجه، برناب بسهای آتش و خوشه ای، بمبارانهای وسیع و در پیش گرفتن سیاست "سرزمین های سوخته"، خالی نمودن دهات و پانندن روستائیان به شهرها و ....)

با توجه به تجربه جنگ هند و چین و سایر جنگهای توده ای و با در نظر گرفتن این واقعیت که هم اکنون در افغانستان جنگی توده ای یعنی واقعی گلمه در جریان است، میتوان با قاطعیت و خوش بینی انقلابی پیش بینی نمود که برنامه جدید جنگی امیرالیسم روسیه محکوم به شکست است.

روسیه علاوه بر اینکه بطلت ریشه دار بودن جنبش مقاومت و جنگ میهنی در اعماق توده ها، قادر نیست، ریشه توده ای مجاهدین را خشک و آنها را از مردم جدا سازد، شهرهای افغانستان را نیز که حلقه قوی و محل تمرکز قوای روسی است به مراکز فعالیت سیاسی و نظامی مجاهدین و مناطق انجاری قدرتمند جدیدی تبدیل میکند.

منطق امیرالیستی و سرکوبگرانه اشغالگران روسی، تشدید جنایت و آدمکشی و بکار بردن سلاحهای مرگبارش و شیوه های قاتلستانی است. مردم افغانستان با منطق ویژه خود منطق خلقی و از طریق بیا کردن یک جنگ توده ای عظیم به امیرالیسم روسیه پاسخ خواهند داد و تاریخ نشان داده است که منطق خلق بر منطق امیرالیسم چیره خواهد شد.

### رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و مدیر: ترا مروزی

مسئول: علی حجت

بهر قسمتی که در این مراسم همدرسی بیروز شود و رئیس جمهور تمام عمرش ...

آقای زالدیوار پیش بینی کرده بود که بین ۲۰ تا ۲۰۰ درصد از رای دهندگان به بیسوشه رای خواهند داد او گفت: "ولی از قبل بحسب گزارش رسیده بود که "قانون اساسی" با ۶۲ تا ۶۴ درصد تصویب خواهد رسید".

## جنگ با عراق ....

معنی آن نیست که در مقابل به با عراق نیز این حکم صادر است. همه دلایل عینی و ذهنی در مقایسه کشور ما با عراق ویا شوراهائی از این قبیل ثابت می نماید که ارتش منظم که به هر حال ستون فقرات سیستم دفاعی ملی ما با بدبیا شدیدا بدنگه به تنهایی این قبیل تهاجمات نظامی را در هم شکند، بشرط آنکه ارتش منظم قوای مسلح و ارتش شکل واقعییت بخسود بگیرد.

جنگ با عراق ویا امثالهم نه میتوانندونه با بدبیک جنگ طولانی تبدیل شود. زیرا کشور ما همه امکانات جهت سازمان دادن ارتشی که بتواند تنها هم عراق را در جنگی زود فرجام بیا یان رساند را در اختیار داشته است. آشکار شد که ما این امکانات را به کار نمی گیریم که هیچ، بلکه تنها یلاتی در تضعیف ارتش موجود است، آیسا امیال دیگری را برای تها و زبه کشور بر نمی انگیزد و یا ضررهای بیشتر جانی و مالی را متحمل نمی گردیم؟ بدون شک و تردید چنین است.

سیستم دفاع ملی ما بر پایه ارتش بیست میلیونی که ستون فقراتش را با ید ارتش منظم تشکیل دهد قرار دارد. بنا بر این هم برای واقعیت بخشیدن به سیستم دفاعی قدرتمند و هم برای مواردی نظیر جنگ حاضر با ید برتری ارتش همسخت گماشت. تقویتی که هم شامل سازماندهی آن، دادن مسئولیت همراه با اختیارات به فرماندهان، جلوگیری از پاکسازی بهای بی رویه و امثالهم، توجه به اعتبار روحیه افسران و درجه داران، توجه به سطح تکنیک و وسایل جنگی و غیره میگردد.

دراوضاع کنونی بین المللی و منطقه و خطر روز افزون جنگ جهانی، آن کشوری که تدارک نسیبند و دارای دفاع قدرتمندی نباشد مطمئناً جها نخواستار آن و عا ل آنها خواهد شد.



"نبرد جنوب" - هوا دار سازمان چریکهای فدائی - در اطلاعیه ای که در نشریه "کار" (اقلیت) شماره ۲۳ چاپ شده، به تحولات اخیر در سازمان چریکها و انشعابات آن اشاره کرده و موضع خود را در این رابطه، تعیین کرده است.

"نبرد جنوب"، پس از ذکر این نکته که "جناح اپورتونیست سازمان به رهبری اکثریت کینه ت مرکزی که تمام گوش را برای جلوگیری از علنی شدن مبارزه ای د ثولوزیک بی نتیجه یافت، گوشید تا با ایام آفرینی، تحریف مسائل و با استفاده از اهرم های تشکیلاتی، توجه اعضا و هوا داران سازمان را از مسائل طرح شده، منحرف کنند"، یاد آور می شود که "با علنی شدن مبارزه ای د ثولوزیک ...، به خوبی دید گاه برانگیزیستی و متافیزیکی اکثریت به نمایش گذاشته شد".

## سازمان بیکار:

نقی معیار سوسیال امپریالیسم نشانه تزلزل رویزیونیستی است

"سازمان بیکار در زاه آزادی طبقه کارگر"، در ادامه بحث خود با "سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر" درباره وابستگی به تزلزلات "رزمندگان" در قبال سوسیال امپریالیسم شوروی برخورد کرده و پس از ذکر زمینه های علت وجودی انحرافات و تزلزلات در قبال رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم و "بالا گرفتن موج تزلزلات و گرایش رویت یونیستی در جنبش چپ ایران و بطور مشخص در طبق "جریان ۳" و "برگنارنماندن سازمان رزمندگان از این موج"، یاد آور می شود که "نقی امپریالیستی بودن شوروی که منجر به نقی تاثیر گذاری واقعیت سوسیال امپریالیسم در تاکتیک و استراتژی بین المللی بولوتاریا می گردد. نقی معیار سوسیال امپریالیسم به مثابه یکی از ضوابط اساسی برای وحدت جنبش کمونیستی و ... از جمله موارد تزلزل رویزیونیستی رفقای رزمندگان بشمار می آیند." (بیکار ۶۹)

"بیکار"، سپس می نویسد: "در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکایت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسیال امپریالیسم تظاهر پیدا کرده است. جریاناتی مانند رفقای رزمندگان بدون اینکه خود از موضع اثباتی گامی مشخص و قاطع در جهت توضیح منطقی مسئله بردارند، فقط فلسفه شکایت را رایج می سازند و بدین ترتیب دامنه تزلزلات رویزیونیستی را گسترش می دهند ... چنین دیدگاهی واقعیت ساخت امپریالیستی شوروی را نقی کرده و معتقد است پاسخ علنی در مورد ساخت اقتصادی شوروی موجود نیست ... (همانجا)

"بیکار"، سپس می افزاید: "در نزد رفقای رزمندگان در مورد مقوله سوسیال امپریالیسم دید گاه فلسفی شکایت به دید گاه اکتونومیستی بیوند می خورد ... این دیدگاه اکتونومیستی قبل از آنکه معنای طبقاتی استقرار رویزیونیسم در کشور سوسیالیستی را درک کند و تحولات طبقاتی را بر پایه کسب قدرت

نماید و هرگز حاضر نیست در لحظات حساس، همچون حزب توده خائن، مردم را تنها بگذارد ...

اعلامیه سپس یاد آور می شود: "مردم ما باید بین چریکهای فدائی واقعی که از همان روزهای اول پس از قیام در مقابل اپورتونیستها صف آرائی کردند و همواره به راهشدهای چریکهای فدائی مؤمن بوده اند و کسانی که با وجود عدم اعتقاد به این راه، هنوز از نام چریک فدائی استفاده می کنند، فرقی بگذارند. مردم ما باید اپورتونیستهای رنگارنگ را بشناسند که مبارزات اخیر ورشکستگی شوروی نشان را نشان داد و امروز نیز کاری جز مخدوش کردن ذهن توده ها ندارند. بارز ترین خصوصیت آنها این است که فرسنگها از حقایق کجکشی مردم در تجربه خود بدست آورده اند، بدورند، ولی با این حال ادعای رهبری خلق را دارند ..."

## نقی معیار سوسیال امپریالیسم نشانه تزلزل رویزیونیستی است

سیاسی توسط رویزیونیستها توضیح دهد، در بی آن است تا با ارقام و اعشار اقتصاد شوروی را حلاجی نماید. (همانجا)

"بیکار"، پس از ذکر این نکته که "بحث بر سر نقی ارقام و اعشار برای توضیح دقیقتر واقعیت امپریالیستی شوروی نیست، بلکه "بحث بر سر بعد دیدگاهی است که ... تحت عنوان تحلیل از اقتصاد شوروی تزلزل رویزیونیستی خود را پنهان می سازد"، می افزاید:

"به این اعتبار باید دید آیا رفقای رزمندگان نیز سوسیال امپریالیسم را قبول دارند یا ندارند؟" و خود جواب می دهد: "به نظر ما رفقای رزمندگان سوسیال امپریالیسم را به مفهوم کشوری که در آن بورژوازی انحصاری حاکم بوده و اقتصاد آن دارای ساختی امپریالیستی می باشد، قبول ندارند. دلیل این حکم مجموعه نظریاتی است که رفقای رزمندگان راجع به درک خود از سوسیال امپریالیسم ارائه نموده اند. ... دلیل این حکم این است که این رفقا صحبت از "پذیرش نسبی" (همانجا) سوسیال امپریالیسم می کنند. (همانجا)

"بیکار"، سپس در توضیح امپریالیستی بودن شوروی می نویسد: "گذشته از جنبه تشویریک مسئله، واقعیت عملکرد و کردار سوسیال امپریالیسم شوروی در عرصه جهانی به وضوح و با روشنی کامل و بدون کوچکترین شبهه اثبات می نماید که چنین اقداماتی تنها از یک ماهیت امپریالیستی بر می خیزد. ... به عنوان مثال: "صدور سرمایه امپریالیستی، تجارت نابرابر امپریالیستی، رقابت امپریالیستی با امپریالیستهای دیگر جهت تسخیر مناطق نفوذ و اعمال سرکرده گرانی، تجاوزات نظامی و کودتاهای امپریالیستی، سوداگری امپریالیستی در زمینه فروشی تسلیحات ... را به عنوان نموده های این "ماهیت امپریالیستی"، ذکر می کند. (همانجا، بیکار ۶۹)

### دهقانان روستای «چنی جان» (رودسر):

# اگر آب نباشد، دیگر کشت نمی‌کنیم

روستای "چنی جان" از قرا رود ۴۰ کیلومتری غرب رودسر قرار گرفته است و حدود ۳۰۰ خانوار و ۱۸۰۰ نفر جمعیت دارد. یک جاده آسفالتی که از وسط ده می‌گذرد آنرا به دو قسمت تقسیم میکند: چنی جان علیا (پائین محله) و چنی جان سفلی (بالا محله). که اولی به دریا نزدیک است و دومی نزدیک به کوه پایه و به سمت "املش" (مرکز بخش) است. یک جاده شوسه هم که به این جاده آسفالتی متصل است، "چنی جان" را به املش وصل میکند.

## فعالیت و تولید

اهالی این روستا عموماً بدون استخاکا و ورزیرنجکار هستند. کشت اصلی برنج است. ولی علاوه بر آن کارهای جنبی هم وجود دارد.

حدود ۹۰ درصد از این درختان مزارع برنج به کشت صیفی جات و بخصوص باقلا، لوبیا، بادمجان، گوجه، خربزه، خیار و... می‌پردازند. کشت ذرت در حد رفیع نیز خانوادها مقدار کمی گندم، و کشت سب زمینی پیاز، سیرو... نیز رواج دارد. بادمجان و سایر اظافه‌ها را احتیاج خانواده‌ها به بازار هم عرضه می‌شود. سردرختی از جمله گوجه درختی به، نارنج و... هم در حد رفیع نیاز وجود دارد. جایگاری هم قیلادراین روستا وجود داشته، ولی در حال حاضر متروک شده است.

پرورش گرم ابریشم هم در این روستا رواج دارد و حدود ۲۰ خانوار به این کار اشتغال دارند.

## دامداری و نگهداری طیور

دامداری هم در حدنا حد

بنایی وک و توکی بنایی اشتغال می‌ورزند. ولی بیشتر به کار دست فروشی در کنار خیابانها می‌پردازند و به این ترتیب نیروی سازنده و مولد جوانان ده صرف کارهای دلالی، واسطه فروش شدن، به هدر می‌رود. آنها واسطه بین شهریها و روستا ثیان هستند و تولیدات روستا (مثلاً بادمجان) را از روستاها (چنی جان و... ) می‌خرند و می‌برند به شهرها و به شهریها و روستا ثیان دیگر می‌فروشند.

## تسهیلات و تأسیسات عمرانی و رفاهی

مدرسه: روستا دارای یک مدرسه ابتدایی ۱۰ کلاس و یک مدرسه راهنمایی تا پایان سال سوم میباشد. تعداد محصلین ابتدایی حدود ۳۰۰ و محصلین دوره راهنمایی ۲۰۰ نفر است.

درمانگاه: روستا فاقد درمانگاه است و اهالی برای دوا و درمان به "شلمان" می‌روند که در ۳ کیلومتری چنی جان قرار دارد. برای معالجه امراض سخت و استفاده از بیماران و درمانگاه مجهر، به رودسر می‌روند. بیماریهای بومی روستا، بیماریهای انگلی شامل گرم‌فید (گرم‌کدو)، گرم روده، گرم‌قلبادار، گرمک و... است.

آب و برق: آن تعداد خانوادها که توانایی داشته‌اند برق کشیده‌اند. ولی روستا فاقد آب لوله‌کشی است و اهالی آب را به دنا، خد، ا.ا. ج.ا

اومیکوید: "مردم بی حیا شدند. زاندارم فرار کرد. غیر زاندارم فرار کرد و با سادارها فرار کردند. نکذاشتند بروند موتورها را بکنند، گفتند نمی‌گذاریم بکنند! کسی با پدروید جلوش را بگیرد. نمی‌توانند." اومیکوید: "آنها میگویند مالکین در قدیم جلسه کردند و ۷ خمره آب برای شما تعیین کردند. شما ۷ خمره آب بیشتر ندراید!" سنسد دارند؟ قباله دارند؟ چی دارند؟ آن زمان مالکین زور داشتند و این را گفتند: باید اینطور باشد؟ آنها بالا هستند. ما پائین هستیم. می‌گویند "آب مال ما است، اگنر بخوایم بدهیم ۷ خمره بیشتر نمیدهیم." می‌گویند که "شما ۷ خمره آب بیشتر ندراید، دیکه به ما مربوط نیست!" جواب ما را اینطور میدهند. بسا که زبردستها زبردست کردن کلفتها سر آب له شدند. سر می‌کنستند!"

## راه حل چیست؟

کشاورزان میگویند: "دولت وقتی میخواهد سطح زیر کشت را افزایش بدهد اول باید فکر کند که آب با اندازه کافی موجود هست یا خیر؟ آنها میگویند دولت دوتا کار میتواند بکند:

- ۱- به آنهایی که زمینهای با برار زیر کشت می‌برند کمک کند تا برای تامین آب چاه بزنند. در این منطقه در ۱۰۰ متری چاه آب می‌رسد.
- ۲- راه حل دیگر زدن یک سد بر روی رودخانه "پل رود" است. برای اینکار هیچ احتیاجی به صرف هزینه سنگین نیست. حتی میتواند سنگ چین بکند. خود کشاورزان هر سال با چوب و سنگ جلوی آب را می -

## کارگران شرکت کشت و صنعت ایران شل کات دزفول به وضع این شرکت رسیدگی کنید

موقتی است که کارگران فصلی آنرا زنان زحمتکش روستائی تشکیل میدهند و فعلاً در این کشت و صنعت، کندم، ذرت، چغندر قند، یونجه و پیاز کشت میشود.

کارگران "ایران شل کات" از وضع موجود شرکت بسیار ناراضی هستند. چون این شرکت هنوز دولتی نشده است، مدیریت آنرا با تک توسعه بعهد داده است. کارگران این واحد تولیدی می خواهند تا هر چه زودتر به وضع نابسامان آنان خاتمه داده شود و تنها در صورتی با انحلال شرکت موافقت کند که اولاً دولت زمین های آنان را که در رژیم گذشته گرفته شده، برای همیشه به آنها پس بدهد و ثانیاً به آنها برای خرید دروماشین آلات کمک نماید و در اختیار آنها ماشین آلات کشاورزی آنان را تسویه به تولید و پیشبرد امر کشاورزی نماید. خلاصه آنکه این کارگران میخواهند بدون قید و شرط برای خودشان و بر روی زمینهای خود کشت و ورزی نمایند و در این راه چشم انتظار کمک های دولت هستند.

شرکت کشت و صنعت "ایران شل کات" که در حومه دزفول واقع است، در سال ۱۳۲۹ شروع به کار کرد. زمین های این شرکت، زمین های هستند که رژیم منحوس گذشته با پرداخت مبالغی در حدود هزار تومان (اندکی بیشتر یا کمتر) از دهقانان فقیر که در اصلاحات ارضی شاه دچار فقر و فاقه شده بودند، گرفته بود و این دهقانان از هستی ساقط شده را به کارگری برده واری در این شرکت گماشته بود.

روستا هایی که در رژیم گذشته زمین های آنان با مصلاح خرید شده بود عبارتند از: ۱- "بیاتیان" که نزدیکترین روستا به شرکت ایران شل کات است. ۲- خسرو آباد. ۳- امیرآباد. ۴- قسمتی از جاغاسیز. ۵- بنوت علیا. ۶- بنوت معزی. ۷- جاغابین. ۸- قطه سیدون (قسمتی از قلعه سیدون و بلادید).

سرما به داران قبلی و فعلی این شرکت، صاحبان شرکت انگلیسی شل میباشند. در حال حاضر این شرکت دارای ۲۵۰ کارگر و ۱۵۰ کارگر

## نامه يك کارگر چاپچی به رنجبر

# در سندیکاهای واقعی متشکل شویم و حق خود را بگیریم

کرد که نصف آنچه را که دولت گفته است به کارگران بدهد، ولی ۵ نفر از کارگران به این زورگوشی حاجی اعتراض کردند که اخراج شدند و بقیه با فشار عامل حاجی مجبور به امضا قراردادهائی شدند که پس از گذشت چند ماه آنهم به اجرا در نیامده است. این نمونه ای از وضع کارگران ما در کارگاههای کشور است. ما کارگران جانی را برای شکایت کردن نمیشناسیم و کوچکترین اعتراضی هم اگر به حاجی و یا عامل خود فروخته او بکنیم، بیگانه رودر بدر می‌شویم.

ما کارگران و سایر برادران خواهان کارگر با بدبا نم که تنها

"در چاپخانه ما در حدود ۴۰ نفر کارگر مشغول بکارند که حتی از حد اقل حقوق و مزایای دیگری که دولت تعیین کرده است نیز محروم می‌شوند. کارفرمای این کارگاه که شخص مسلمانی نمائنی است، کارگران را تحت شدیدترین فشارها قرار میدهد و به کارگران حق کوچکترین اعتراضی نمیدهد و بعداً زهرا اعتراض کارگر معترض اخراج میشود.

عامل کارفرما که حقوق زیادی دریافت میکند، بزرگترین توهین‌ها را به انقلاب و رهبر انقلاب میکند و آشکارا طرفدار شاه معدوم است. او که ما مور مستقیم کارفرماست به کارگران توهین میکند. وقتی به حاجی -



# نوشته‌ای از مهندس مهدی بازرگان

روزنامه کیهان یکشنبه ۲۴ شهریورماه‌های از مهندس مهدی بازرگان تحت عنوان "نهضت خدا بران" بجا برسانید.

این اصطلاح را آقای بازرگان برای تشریح یک سلسله اعتراضات و اشتباهات که در کشور صورت گرفته و می‌گیرد بکار برده اند و از این طریق راجع به بسیاری مسائل گوناگون اظهار نظر کرده اند. مهندس بازرگان "نهضت خدا بران" را نوع "خسود" ویرانگری نامیده و با چراغ آن کسب از نظر ایشان عبارتند از: فسادگری - حمله به مؤسسات تولیدی و اقتصادی - با کسب از - نفی متخصصین - آدم زداشی - برخورد نادرست به گروههای سیاسی - حمله به ملی کرانسی و ایراد وستی کیفیت دولت و تشدید مراکز تصحیح کبری برخورد کرده اند. در زیر خلاصه شده این مقاله را بجا برسانیم.

\* \* \* \* \*

کلمه خدا انقلاب را همیشه در یاد شما عزیزان می‌آوریم و لکنست نشان می‌کنیم. اما خدا بران عنوان تازه و مفهومی است که ما تا پیش از این در یاد و دین خدا انقلاب با شما گذشت انقلاب.

از روزی که تقریباً ده ماه فصل "افشاگری" شروع شد نهضت خدا بران که اسم دیگری را "خودپراکنگری" می‌گذارد هم پراده فساد تحت لگوی خدا بران بیستی و با نیت با ادعای دفاع از انقلاب.

در پیش از خواسته با شما آشنا گری در آن شما برای ما نیافتا دو بیگانه شتاب گرفت و شدت و حدت یافت افشا کردن صحیح با غلط، تبعیض کردن رجال سیاسی و ملی و دست اندرکاران راجع با باطن رسوا کردن چهره تازه‌ای نیست. لازم است وقایع و معمول متداول بر ما رزده و انقلاب است. در انقلاب خودمان نیسازان ابتدا وجود داشت یعنی آهنگ ویرانگران احزاب چپ بودند. چه در این انقلاب کبیر بر رهبری آیت الله العظمی خمینی وجهه در انقلاب مغیر ملی کردن نفت که ممدق را کهنه اشراقی می‌برد امیرالایسم میخواستند و معلوم است به چه منظور برای آنکه از ملت نسبت به رهبران و کردارندگان و خود انقلاب سلب اعتنا نکنند...

البته نمیگویم کار بدو آدم بد املا در دنیا نیست و دنیا بدخبا نیها

## نهضت خدا بران

**\* فرق است میان شوینیسم و وطن دوستی**  
**\* دنباله انحمارگری به آنجا کشید که ملی گراشی و حتی ملی بودن و ملیت در ردیف خدا انقلاب و خدا سلام در آمد**  
**\* انکار ملیت و تکفیر ایران و برنامہ خود ویرانگری و خدا انقلاب است**

اراههای قانونی و انتظامی ارس آنها بر مبنای آید اما انتظارات است که بدون ملاحظه تا سون اساسی از آنها سلب آزادی و ممانعت از فعالیت سیاسی شود. چیزی که موجب بر زمین شدن و نشانه بطلان سیم پیدا کردن نیرو و احضان میند بعضی گروههای غیر مسئول و غیر رسمی نیز بطور دا و نابلانه با دستور بعضی از مقامات روحانی و سیاسی به تعرض آنها میبردند.

ولی قبحه با اینجا خا نمسند نیافت. رسم بر این ندکه هر گروه و هر شخصیت ولو طرفدار انقلاب صرف آنکه اختلاف و اشتباهی دارد و صد در صد در خط خدا سلامی نیست و از ناحیه آنها احساس خطر میشود بسیار استی روزنامه‌ها در سته و دفتر و با نگاهن صرف شود.

دنباله انحمارگری به آنجا کشید که ملی گراشی و حتی ملی بودن و ملیت در ردیف خدا انقلاب و خدا سلام در آمد و در معرض طرد و کنفرانس قرار گرفت و با این ترتیب ما ده چهارم پراخ خود ویرانگری بر سر دو آ یا در این معتدل و روشنفکران و ملیون که مسلماً بودند دشمنان انقلاب است جلوه کردند.

چنین تبلیغ شد و تا این اتمام مشوب کرده اند که علاقمندی به ایران و دفاع از حقوق و وحدت ملت و از استقلال و اعتدالی مملکت که همگان ملی بودن است مخالفت با خدا برستی

امر ضروری و تا بل تقدیر بود چه از طریق تبلیغات سؤ تحققی که نسبت دولت صورت میگیرد.

مراکز تصمیم گیری مختلف و نهادهای انقلاب می باستی به تدریج که دولت جان میگرد و نهاد های ملی چون قانون اساسی، شورای عالی قضایی، ریاست جمهوری و وطن شورای اسلامی استقرار می یابند، آنچه موجب غیر ضروری است منحل با مشورت گرد و آنچه ضروری است با هماهنگی، کمیته‌ها، دادگاهها و جها تسارندگی، ادغام در واحدهای دولتی شوند و تحت مابطه های مشخص محوب در آسند زیرا که دولت اسلامی

واستلائی و مستقلی و برخاسته از ملت مینا شد...

در حالی که ما در مجلس و مطبوعات «سکوتی تا کند و وحدت و همکاری دار شد و دولت سبها های انقلاب و مجلس و حزب ها که در مجلس جمهور عدم تعارض و احسانا شنا دشمنان میدهند که ضدیت با ایران است اما اگر بر طبق قانون اساسی هر یک سوطا بت مربوطه عمل نموده نخواهند بستن چای مسئول کل انقلاب و مختار درستی ها و اعمال خویش با تشدد جسس خرابانی سنی نخواهد آمد.

احوال آنکه نظام استبدادی سر تکون شده دولت و دولتیان منتخب ملت و متعلق و خدمتگزار مملکت هستند عادات گذشته در بعضی از زمین ها باقی مانده هنوز چشم بیکانه با را بدو دشمن به آنها نگاه میکنند توقع دارند که در محیط شور و نفرت سبالیهای دولتی و خدمت که همیشه یک خدمت دو جان نباشد سترفا شود.

من خوشخصانه در صدر دولت هشتم به در جز و دلیل آن که شبهه سنگ خود پسند زدن سنی آید با طری جمهوری اسلامی ایران و انقلاب است که میگوئیم اگر مردم و مخصوصا طبو عات و مقامات نسبت به دولت های که مسئول و ما مورکا رها می - شوند نظردر سنا سنا سخا نه داشته باشند و به خود ویرانگری و خدمت با ایران بپردازند از هدفهای مطلوبمان سبت از پیش دور خواهیم شد.

مطلب دیگر بعنوان آخر این ماه ده که از جهت منفی خود ویرانگری محسوب میشود عدم توجه لازم به سبها با زندگی و کار یعنی به تسر ساندن واقعی انقلاب میباشد که در مسند سبها به دولت موقت قرار داشت اما مسافتا نه روز بروز از فکر دست اندر کاران دور شده جای آنرا سرفه قهرانی سب تخریب و روحیه نگاه دوستی سبازع گرفته است....

با لآخره مملکت مکرر میخواهد جبران خرابیهای دوران کوتسها توقف قبل از بروز انقلاب و خرابی های عسین «۲۵ ساله استبداد را بنما بد؟ دنیا و دشمنان ما با سرعت و قوت مسارند می یا بند و میکارند. سبت سب و سب و ما با سخنرانی و شعار و راه بیبایی و با جنگ و دعوی داخلی میخواستیم از پس آنها و از عهده اجرای اهداف جهانی کوه بیکر انقلاب بر آئیم.

مخالفت با افشاگری خود ویرانگری و با طرد و تصفیه سبها چه معنای افکار خیانت و خطا و وجود خدا انقلاب نیست. بحث روی کیفیت برخورد است. آیا تا بد محض احساس مختصر اختلاف و انحراف جمعی تکفیر را برداشت و بر هر سبیکانهای و آشنا گوید و انگریسیون با ری کشیشهای فزون وسطی را راه انداخت و با ناسه راضی تراشی نیمه راهیان را سب اردوی مخالفین هل داد؟ برای دلجویی مستحقین آیا با سب مستگیرین جدیدی بوجود آوریم و مستحقین تازه ای سازیم.

## گفتگوی کیهان با استاندار گیلان

**\* اگر دولت درست عمل نکند شوروی سادتر از زمان شاه اطلاعات بدست میآورد**  
**\* قایقهای با کشتی های شوروی**









را "مسیحی و بفرودست" تا بعد منتظر شد. در اعلامیه سف ها سوال شده است: "چگونه آنها خود را مسیحی خطاب میکنند در حالی که حقوق بشر و مقام الوالی انسانی را نقض می نمایند؟"

# رنجبر و خوانندگان

نشانی پستی «رنجبر»: تهران - صندوق پستی ۳۱۲ - ۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵

## آیا این است روش منطقی برخورد با مردم کردستان؟

نشریه محترم رنجبر بعد از استقرار نیروهای ارتشی در سنجند - شهری که بقول خودشان مردم ستمکشیده آنرا بعد از زنده تهاقی مدید و تحمل بیست و دو روز جنسهای و خمپاره تهاقی داده اند، چگونه مسیحی برخوردت آنها با این مردمیکه جزگزار گردن برای تهیه یک لقمه نان بخور و نمیری که بتوان نندشگمزن و بچه شان را سیر کنند و امنیتی که در سایه آن بتوانند زندگی کنند چیزی و خواستی دیگر ندارند، سرم و آراست. میخواهم گوشای از این برخوردهای نیروهای دولتی حاکم بر شهر را برای شما و خوانندگان نشریه شما و مسئولین دولتی مخصوصاً آقای بنی صدر رئیس جمهور منتخب این مردم بازگو کنم.

آقای بنی صدر در محاصره خیرک به اسز قریه منطقه غرب کردستانند، گفتند: "در برخورد با مردم کرد، شما فشار و زور و بیگانه فایده ای ندارد و باید دل این مردم را بدست آورد". آیا نیروها می که بتوسط خودشان آمده اند مردم جزگشیده مسلمان را از دست گزار تهاقی بدهند و شما بنده دولت در این منطقه هستند چنین برخوردی داشته اند؟

نزدیک به ۴ ماه است که در شهر شبها حکومت نظامی است و بیگانه و بیبند تهاق زوری شکایاتی است که چه بسا از عرض شخصی صورت میگردد، کمک گرفتن از قیاده موقت که تا دیروز مزدور سازمان جاسوسی سیا و ساواک و موسسه دیود، چه معنی دارد؟

حدود یکماه پیش جوانی که به اتفاق دوستانش برای کارگردن راهی اهواز بود در شهر دستگیر و دست از یک هفته زندانی بودن که متحمل انواع فشارهای روحی و جسمی قرار می گیرد، بعد از تحقیق و بررسی آزاد میشود، وی دوباره راهی کرمانشاه میشود و با اهواز برود که در خیابان مورد تهاقی دختر بچه ۶ ساله ستمدگی قرار میگردد و او را به اس با ساداران معرفی میکنند که ایسن

متن در دسترس نیست. شکر خه های مداوم بطور چشمگیری در شیلی افزایش یافته است. سخنگوی این سازمان اظهار داشت که از ۲۴ تیر ما جاری تا کنون بیش از هزار روپیا ما بدنا دوهزار نفر توسط پلیس مخفی شیلی دستگیر شده اند.

این گزارش همزمان با از سر گرفته شدن صدور اسلحه انگلیس به رژیم دیکتاتور شیلی و شکست تجریم اسلحه با این کشور پس از پنج سال انتشار یافت. پلیس رژیم فاشیستی شیلی حتی یکی از پزشکان انگلیسی بنام "سیلاکاسی" را در سال ۱۹۷۵ و یک دانشجوی انگلیسی شیلیایی را در ۲۵ تیر ما جاری دستگیر و بیدست شکنجه داده است.

طبق این گزارش با زداشت شدن گان رابطی مختلف از قبیل کتک زدن های شدید و فروردن سر آنها زیر آب، شوکهای الکتریکی، سوزاندن بدن توسط سیگار و ریختن آب یخ بر روی بدن، شکنجه میدهند. عده ای دیگر نیز بی از دست گیری نایبیده شده اند. همین گزارش می افزاید که پزشکان نیز در هنگام شکنجه محکومین حضور دارند، زیرا پزشکان با بستی قدرت تحمل شکنجه محکومین را تشخیص دهند و قبل از مردن محکومین شکنجه را متوقف کنند.

در گزارش این گروه افزوده شده است که "این گزارشات تصویر عمومی عده ای از مردم را ترسیم میکنند که توسط "ما موریس اطلاعات مرکزی کشور" دستگیر میشوند و چشم بسته به مراکز شکنجه دریا دگا نهیا یا مکانهای مخفی برده میشوند". بعضی از این قربانیان

## زئیر: تدارك روسیه برای حمله سوم به ایالت «شبابا»

روسها علاوه بر توطئه کودتا و نفوذ در جنبش اقلیت های ملی جهت سرنگونی رژیمهای کشورهای جهان سوم، راه سومی نیز پیدا کرده اند و آن براه انداختن جنگهای چریکی شهری است.

بواساس منابع خبری دربار روس، اولین کشور آفریقایی که ایسن تا کنیک جدید در آن پیاده میشود، کشور آفریقایی زئیر است. روسها تاکنون دوبار برای سرنگونی رژیم دیکتاتور شیلی "موبوتو" و برای سلطه فاشیستی خود در این کشور اقدام به فرستادن مزدوران تعلیم یافته خود به ایالت تروتمند "شبابا" کردند، اما هر دو بار شکست خوردند (سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸).

به گفته همین منابع این عملیات ممکن است تا قبل از پایان سال جاری به مرحله اجرا درآید. این عملیات این بار از طریق کشور همسایه یعنی کنگو برای اوایل انجام خواهد گرفت در حالی که دولتیا جم قبلی از طریق یا نگاه مزدوران در آنکولا غا زنده بود. این تصمیم به ما دبیش پس از بحث و تبادل نظر با رهبران دست نشاندگوباسورت گرفته است. طبق ایسن گزارشات یک یا نگاه آموزشی جهت چریکهای شهری در شمال شهر برا ز اوایل (با یخت کنگو) برپا شده است. هدف این چریکها نفوذ به یا یخت زئیر یعنی "کینشازا" و تضعیف کنترل دولت در این شهر است. اقتضا دورگسسه زئیر، فسا دور شوخواری دیکتاتور حاکم و با لاسره فقر و بدبختی مردم عاصی است که میخوانند به توطئه روسها و با دشمنان کمسک کند.

صادرات (میلیون روبل)	۲۴۵۰	۲۹۷۳/۹	۴۴۸۲	۵۴۲۸	۶۲۴۷/۷	۶۹۹۱/۲
واردات (میلیون روبل)	۵۳۳۹	۶۱۰۴	۹۰۴۵/۷	۱۰۴۲۷/۲	۱۱۴۶۶/۲	۱۴۵۲۶/۳

۰/۷۴۶ روبل = یک دلار

### معاملات نابرابر با جهان سوم

روابط تجاری اتحاد شوروی سوسیال امپریالیستی با دیگر کشورها بر اساس شرایطی مساوی، برابر و مبتنی بر نفع متقابل، برخلاف آنچه بلندگوهای کرملین تبلیغ میکنند، نیست. روسیه با حیل های گوناگون کشورهای مختلف را از جالبه جابه می اندازد و با ایجاد روابط تجاری با آنها قدم مقدم این کشور را به حوزه نفوذ و سلطه خود میکند. سوسیال امپریالیسم روس غالباً بفروش کارخانه ها و پروژه های عظیم در زنده برخلاف ظاهر آنها بدون حاکمیت روسها این پروژه ها نه میتوانند ساختند و نه میتوانند پس از ساخته شدن به حیات خود ادامه دهند. این پروژه ها برای همیشه محتاج به قطعات یدکی و کارشناسان روسی هستند. ذوب آهن خودمان را مثال بیاوریم که نمونه بارز این نوع عملکرد سوسیال امپریالیسم شوروی است.

شوروی دنازی فروش این پروژه ها که همراه با اعطای وامهای کلان است، به خرید مواد اولیه به نازلترین قیمتها میپردازد. با ز ذوب آهن خودمان را در نظر بگیریم. روسیه در سال ۱۳۴۴ با امضای قرارداد با شاه خا شن، ۳۸۶ میلیون دلار و ۱۴۰ میلیون دلار بهره ۵/۵ درصد به ایران پرداخت بشرط اینکه این وام صرف احداث ذوب آهن روسی و قسمتی از شاه لوله گار برای صدور گاز مجانی ایران به شوروی شود. سخن درباره ذوب آهن بسیار زیاد است اما همینقدر بگوئیم که این کارخانه بنیسا به ادعای مدیر عاملش پس از ۱۵ سال، سالانه ۲/۴ میلیارد تومان فروش دارد. ضمن اینکه هر ساله مبالغ فراوانی باید صرف خرید قطعات یدکی از روسیه شود، سالگی ۲ میلیارد تومان نیز از سازمان برنا مه کمک میگیرد! یعنی پس از ۱۵ سال سود که ندارد هیچ، کلی هم ضرر به گردن ملت ما میگذارد. بطور کلی ایران هر ساله حداقل ۱۰ میلیارد تومان با بابت احداث و بهره برداری از ذوب آهن و فروش گاز بهره روسیه ضرر داده است و تا مدت ها نیز با ضرر ردهد. اینست یک نمونه کوچک از کیفیت معاملات تراگرانه روسیه با کشورهای جهان سوم.

جدول زیر که نشانگر حجم معاملات خارجی روسیه طرف سالهای ۷۹-۱۹۷۵ است، بخوبی نشانگر روابط این کشور با سیر مناطق جهان است. در حالیکه هر ساله میزان خرید روسیه از کشورهای بزرگ صنعتی افزایش می یابد، میزان فروش به جهان سوم افزایش فوق العاده ای میگردد و در واقع روسیه موازنه تجاری خود را به قیمت جبار اول اروپای شرقی و جهان سوم حفظ مینماید.

ارقام به میلیون روپل  
منبع: ونیشینیا تورگولیا

	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹
صادرات	۶۱۳۹/۹	۷۸۳۴/۲	۸۸۱۷/۳	۸۶۹۸/۹	۱۳۵۰۶/۷
واردات	۹۷۰۴	۱۰۸۲۱/۶	۱۰۹۲۲/۳	۱۰۹۷۹/۱	۱۳۲۳۵
صادرات	۱۳۳۶۲/۸	۱۴۹۳۲/۷	۱۷۲۵۱/۵	۱۹۷۶۷/۴	۲۱۷۰۲/۵
واردات	۱۲۸۸۴/۸	۱۳۸۸۶/۹	۱۵۷۹۵/۲	۱۹۲۷۹/۷	۱۹۹۴۵/۲
صادرات	۳۳۱۰	۳۴۷۰/۱	۵۳۳۶/۷	۵۷۲۶/۴	۶۲۹۱/۵
واردات	۲۹۹۸/۸	۲۸۰۵/۱	۲۹۹۷/۴	۲۸۲۱/۲	۲۱۸۹/۳
صادرات	۲۴۰۳۲/۷	۲۸۰۲۲/۲	۳۳۲۵۶/۳	۲۵۶۴۱/۲	۲۴۲۲۶/۷
واردات	۲۶۶۷۰/۶	۲۸۷۳۰/۷	۳۰۰۹۶/۹	۳۴۵۵۴/۳	۳۷۸۸۲/۷

# جواب به مشکلات مردم

## حرف بس است عمل کنید

تجاوزات، تعرضات و خرابکاریهای گروه‌های غیرمسئول در سراسر کشور را مدارد. علیرغم اعلامیه و موضع گیریهای دادستان کل کشور و شخصیت‌های مختلف، دفا ترا حزاب و گروه‌ها و حمله به نشریه فروشی آنها همچنان دیده میشود.

حجت الاسلام‌خامنه‌ای امام جمعه تهران در خطبه روز جمعه خود در مورد این عمل غیرقانونی گفتند: "نا مه‌های زیادی بمن می‌نویسند، افراد زیادی مرا جعه میکنند، من به اینها اطمینان دارم می‌فهمم که در نسبت و مادفا نه میگویند، خبر میدهند که گاهی ده نفر، بیست نفر در فلان خیابان در فلان شهر، در فلان شهر کوچک یا بزرگ راه می‌افتند، با عنوان مختلف، به مرا کزی، به کتا بفروشی‌ها بی حمله میکنند، بدانید که این کار فاسد و خلاف است. آن کسانی که اینکار را می‌کنند، از دو حال بیرون نیست، یا مردم خیرخواهی هستند و یا مردمان مغرضی. اگر مردمان مغرضی هستند، من همین جا وبهمین وسیله به آنها هشدار میدهم، بخدا قسم اگر بس نکنید، ما ملت را در برا بر شما قرار خواهیم داد، و اما اگر مردمان خیرخواهی هستند، من الان به آنها میگویم: ای برادران خیرخواه که نمی‌دانید چه باید بکنید، ای بس جمهوری اسلامی را مخدوش میکنید."

این سخنان آقای خامنه‌ای البته سخنان خوب و مستحیده‌ای است. اما سوال اینجاست که آیا نظیر این سخنان تاکی باید گفته شود و به وجهی که در این و جوی از جانب گروه‌های خودکامه لگد مال شود؟ مگر ما مضمینی، رئیس جمهور مرحوم لسانی، آیت الله منتظری، آیت الله موسوی و... با رها ایمن اقدامات را مورد لعن و سرزنش قرار ندادند و محکوم نگردانند؟ چرا کرده‌اند، منتها هرگز برای نموت هم کشته‌اند این موضوع گیری‌های لفظی با اقدام همراه نشده است.

چرا هرگز حتی یک نفر از جماعت را نومتجا وزین دستگیر و مجازات نشده است؟ چرا یک نما ینده مجلس (حجت الاسلام غفاری) بخود اجازه میدهد گروه‌های میاجم را برای اشغال دفاتر احزاب بسیج کند و به این کار علنا اعتراف و افتخار میکند (رجوع شود به سخنرانی ایشان در محل اشغال شده جبهه ملی مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی) در حالی که وظیفه‌ی دفاع از قانون اساسی و مقابله با این نوع اعمال غیرقانونی است؟ و چرا نه آقای خامنه‌ای که همواره ایشان وظیفه نما یندگی مردم تهران را عهده دار ندونه هیچ نما ینده دیگری در مجلس به عمل حجت الاسلام غفاری اعتراضی حتی دوستانه نمی‌کنند؟

آری اینها همه سولاتی که امروز بطور مشخص به آنها جواب باید داده شود زیرا دیگر مردم همه میدانند که صرف محکوم کردن این اعمال که بهر حال غیر قابل دفاع است کافی نیست. باید عمل شود. حال اینکه لیبرالیسم حاکمین و شخصیت‌های مختلف ما حجب نفوذ در برابر خود سری‌ها و خودکامگی‌ها، خیره سری بیشتر دستجات و عنا م خودکامه را سبب شده است.

## نمونه دیگری از دستگیری غیر قانونی افسران ارتش

تیمسار سر لشکر باقری رئیس سازمان هوا پیمائی کشور و فرمانده سابق نیروی هوائی جمهوری اسلامی ایران که به همراه هیاتیی بمنظور شرکت در یک کنفرانس بین المللی هوا پیمائی عازم خارج از کشور بود در فرودگاه مهرآباد دستگیر و تحویل دادگاه ویژه ارتش شد.

آنطور که پاسداران مستقر در فرودگاه‌ها اعلام نموده اند و در جرایم کشور انعکاس یافته است، انجمن اسلامی نیروی هوائی خیر خروج تیمسار باقری را با اطلاع پاسداران فرودگاه‌ها رسا نده اند و گروه ضربت سیاه فرودگاه مأموریت یافته است بهر طریق که ممکن است از خروج تیمسار باقری جلوگیری نموده و وی را با زدا نشما یند.

این خبر در جرایم کشور بگونه‌های متفاوت منتکس گردید، برخی جرایم بدون آنکه کوچکترین مدرکی را ارائه دهند اعلام نمودند تیمسار باقری قفسد فرا ز کشور را داشته است و به همین جهت با زدا نشما یند. از طرف دیگر بعضی روزنامه‌ها نیز با بیگیری امرار اعلام کردند که تیمسار باقری مطابق حکم ریاست جمهوری قفسد مسافرت با خارج را داشته است و خبر فرا روی جعلی است. قابل توجه است چندی پیش که اخبار مربوط به توطئه کودتا بر ملا گردید عده ای تیمسار باقری را نیز بجرم شرکت در کودتا دستگیر کرده بودند و هیچ

کانونی نشان می‌دهند حکومت بعد از انقلاب، علیرغم گذشت مدت زمان نسبتا طولانی نتوانسته اقدام موثری در بهبودی وضع زندگی مردم بنماید. حتی دو ماه پیش امام خمینی، مسئولین مملکت را باین جهت شدیداً مورد انتقاد قرار دادند و از مردم عذرخواهی نمودند که حکومت نتوانسته خواسته‌های اساسی آنان را برآورده سازد. و تاکید نمودند که باید هر چه زودتر باین وضع خاتمه داده شود

و گامهای اساسی در جهت بهبود وضع زندگی مردم برداشته شود. البته با توجه به عمق تا رسایی‌های موجود مملکتی و ویرانهای که رژیم طاغوت از خود باقی گذاشتند، طبیعی است که در عرض این مدت که برای نو سازی یک کشور وقت کوتاهیست، نمی‌توان انتظار داشت که همه چیز یکباره تغییر یابد و ایران بهشت برین شود. مردم هم چنین انتظاری نداشته اند، اما این توقع و انتظار حداقل وجود داشته که حکومت در این جهت حرکت کند، برای آن تدارک ببیند و گام عملی بردارد و حداقل مهمترین معضلات را حل کند. اما به جرات می‌توان گفت هیچ گام اساسی در این زمینه برداشته نشده و وضع زندگی مردم در بعضی زمینه‌ها از سابق بدتر هم شده است. و اصولاً این روند انحرائی است که به بتی راد مردم اشاعه داده است و نه انجام نشدن یکباره همه خواسته‌های ایشان.

در چنین شرایطی که در اثر ندانم کاریها، سهل انگاریها و انحرافات موجود وضع نامناسبی تا کم شده و فقر و گرانی و بی مسکنی و بی بهداشتی و بیسوادی و بیکاری و دهها مشکل دیگر ناراضی گسترده‌ای در صفوف مردم بوجود آورده، عده‌ای از دست اندر کاران عایداً باین بحث‌ها و نظریات دامن می‌زنند تا بلکه از شدت این ناراضیاتی کاسته شود و به قول خود توقعات مردم را به بحث ایدئولوژیکی بکشانند و با بهتر منحرف سازند. و این گناه دو جانبه است که مرتکب می‌شوند. زیرا اولاً بر انحرافات و انحرافات گذشته سرپوش می‌گذارند و ثانیا بتومی اعلام می‌کنند که هیچ برنامه‌ای نیز در جهت تغییر وضع و رفع انحرافات ندارند و به جای نان و آب برای مردم قصد دارند بحث ایدئولوژیکی کنند.

در ماه‌های پیش نیز مبارزه ضد امپریالیستی علیه امریکا تقریباً همین نقش را بر عهده گرفته بود و تحت عنوان اینکه در حال مبارزه علیه امپریالیسم هستیم از طرح خواسته‌های ما حق توده مردم جلوگیری می‌شد و بخصوص در واحدهای تولیدی اعتراضات با مارک ضد انقلاب سرکوب می‌گشت.

این درست است که در حال حاضر وضع مطلوبی موجود نیست، این درست است که توده محروم باید فداکاری کنند، این درست است که یکباره نمی‌توان همه این معضلات مردم را حل کرد. اما این هم درست است که بتوئیم این راه مملکت داری نیست. آیا بهتر نیست که بجای طرح نظریات انحرائی - که برخلاف تصور صاحبان آن هیچ گونه تأثیری به جز دامن زدن به بی اعتمادی باز هم بیشتر مردم ندارد. به فکر جدی و اساسی بهبود و اصلاح این وضع باشیم؟ آیا بهتر نیست که بجای تلاش برای نظره رفتن از زیر مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ایم، به فکر تلاش برای معاش توده مردم و زندگی و آتیه بهتری برای آنان باشیم؟

توده‌های مردم هشیارانه بر عمل مسئولین نظاره می‌کنند و مسلماً ناامان آنان. در هر حال اثبات نادرستی و منحرف بودن این فکر کار چندان دشواری نیست و با هر ملاکی تنها باین شرط که جنبه مردمی داشته باشد به آسانی می‌توان عدم اصالت این فکر را روشن کرد.

همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر بکارند ولی وسائل کار ندارند و... و دولت بر پایه وجود چنین ضوابطی در قانون اساسی کشور است که از طرف مردم و

نیایا آمده است، آیا وقت آن نرسیده رسیدگی شود تا نشانی که شیب وقتی میخاوا هند به خانه بروند با اینکه ساعتها عرق می‌ریزند ولی مستحرم دارند که روی زمین و بیجه خودشان را ببینند بخاطر اینکه ندارند آنچه را که باید به آنها بدهند و از طرف دیگر افرادی هستند که حساب شروشان را هم نمیدانند؟

از طرف دیگر حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس رضا اصفهانی را به سووا استفاد از تریبون مجلس منتهم نموده و ضمن اشاره به اینکه بس از انقلاب در حدود ۷۸٪ کارخانه‌های مستکبرین به نفع دولت معادله شده و عده‌ای هم فرار کرده و یا تیسر باران شده‌اند، در بخش دیگری از سخنان خود خطاب به آقای اصفهانی اظهار داشتند: "شما بیک مقدار شعار دادید که با بدجواب این شعار را در آینده بدهید. این کشور برای محرومین خیلی خدمت کرده و حقوق ۱۹۰ تومان به حد حداقل ۷۵ تومان در دولت موقت رسیده است. اگر شما بخوا هییدا بین شعارها را بدهید با کبان انقلاب ما طرف هستید؟ ما از جازه نخوا هییدا دکدیگ نفرآ دم‌با شعار از زندگی هیچ چیز، خوراک به مجلس برسانند و درآ بینجا هم شعار بخوا تحت تا شیر قرار بدهد...."

بسیاری از گروه‌های با نظریات متفاوت، این قانون مردمی ارزیابی شده است و به آن احترام گذارده می‌شود. بدین ترتیب آن نظریه که مسائل مربوط به عدالت اجتماعی را تا ندیده می‌گیرد، در حقیقت یکی از مهمترین ارکان قانون اساسی کشور را نیز بدست ایشان سیرده است که نمی‌تواند قابل پذیرش باشد. به خصوص آنکه طراحان این نظریه خود وظیفه اجرای قانون اساسی را نیز به عهده داشته باشند.

در هر حال اثبات نادرستی و منحرف بودن این فکر کار چندان دشواری نیست و با هر ملاکی تنها باین شرط که جنبه مردمی داشته باشد به آسانی می‌توان عدم اصالت این فکر را روشن کرد.

چرا این نظریه در جامعه طرح می‌شود

آن کسانی نمایندگان اصیل و مومن و متعهد اسلام مبارزند که در درجه اول خدمتگزار توده مردم باشند و میزان را اصلاح وضع زندگی آنان قرار دهند.

در تعلق پیش از دستور جلسه علنی روزیکشنبه ۲۴ شهریور ماه آقای رضا اصفهانی نما ینده و را مین در مورد لزوم رسیدگی به وضع بد مستضعفینی که در فقر زندگی میکشند و رسیدگی به اموال و ثروت کلان مستکبرین و سرما یه داران سخن گفت و افزود، بس از انقلاب وضع مستضعفین بدتر شده و مستکبرین، مستکبر تر شده‌اند. این سخنان آقای اصفهانی مواجه با اعتراض تعدادی از نمایندگان شد و با اینکه چندین بار از طرف رئیس مجلس به اعتراضی گندنگان اخطار شد ولی محبت‌های آقای اصفهانی چندبار قطع شد.

رضای اصفهانی در پاسخ به اعتراض گندنگان با اشاره به زندگی بیامیر اسلام و حضرت علی (ع) گفت: "اسلام هدفش تکامل معنوی انسانها است ولی این تکامل در این دنیا بدون این جریانات ممکن نیست و اند حقیق پیدا کنند". وی در ادامه سخنانش گفت آیا هنوز وقت آن نرسیده است که بیانیقیده حسابا بین ثروت‌های کلان و این مستغلات فلان که میباید رسیدگی کنید؟ گاهی از اوقات در همین تهران انسانهایی هستند که من سراغ دارم چند میلیون تومان ما مانده مال الاچاره میکشند و درآ بینجا هم شعار بقول امام زانغه نشین هستند و حتی آقای اصفهانی هم کبیر نشینان

مجاهدت در راه اسلام و خدا، خارج از ذهن ما و در دیبای حاضر انعکاسی به جز مبارزه ضرورت توجه به عدالت اجتماعی و رفاه مردم در جامعه ما تنها مربوط به پیروی کردن از مکاتب مردمی نمی‌شود بلکه در جمهوری اسلامی ایران جنبه‌های قانونی نیز پیدا کرده و نهادهای قانون گذار و مجری و قاضی کشور نیز بر اساسی نفی صریح قانون اساسی موظف به توجه کافی به آن هستند. از جمله اصل چهل و سوم قانون اساسی مقرر ساخته است که:

"برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

- ۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش

از رفعا اول حضرت محمد، حضرت علی و دیگر بزرگان اسلام درباره مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و رفاه توده مردم مطالب بسیاری طرح شده و به مثابه یکی از ارکان مهم حکومت اسلامی مقرر گشته است. صاحب نظران و اندیشمندان اسلامی نیز همواره بر این اصل تاکید کرده‌اند. همین چند روز پیش بود که نخست وزیر بنده حضور امام رسیدند و امام خمینی مطالبی را در این باره گوشزد کردند.

در زیر قسمت‌هایی از سخنان امام را که مستقیماً به وظایفی که در برابر دولت در ارتباط با مسائل رفاهی زحمتکشان قرار دارد می‌آوریم تا اهمیت را که اسلام عیارز برای زندگی و رفاه توده مردم قائل است روشن تر گردد.

... طریق اسلامی این است که مستضعفین را حمایت کنند ...

... شما فکر این ملت، فکر این زاغه نشینها فکر آنها را بکنید ...

... عوض اینکه برای این یا برهنه‌ها و برای این عطف و اینهایی که زحمتکشیدند و شما را به اینجا رساندند و حالا هم از شما توقع خیلی ندارند برای اینکه یک آب و یا نانی یک برقی یک چیزهای اولیه را به اینها برسانند و از این غفلت کنید که بروی سرخ جنگ اعصاب و بحث‌ها خوب این همان است که آن وقت امریکا می‌کرد و حالا شما می‌کنید آن وقت آن طاغوت می‌کرد و حالا شما می‌کنید شما هم طاغوتید آنها هم طاغوتند فرق نمی‌کند یکی سلطان است و یکی شیطان کوچکتر اگر ما باشد که شما به جای اینکه اقتصاد مردم را درست کنید به جای اینکه این کشور را بررسی کنید و ببیند کجاها است که مخروبه است و مردم از همه چیز ساقط هستند به جای این اگر چنانچه بنشینند سر مسئله با حرف و باغاشی با هم مسائل را و منطقت بکنید این همان است که قدرتهای بزرگ می‌خواهند تا این مملکت خرابه بماند و صدای مردم بلند در آید این همان است ...

... برای خاطر خدا قیام کنیم و برای ملت کار بکنیم تمام همان را صرف کنیم که این بیچاره‌ها بی که توی این زاغه‌ها باز هم نشسته‌اند اینها را از اینجا بیرون بیاوریم جایی برایشان درست بکنیم آب و برق این مملکت را درست بکنیم ...

... در راس برنامه‌ها تا برای این بیچاره‌ها این مستضعفین که هستند برای اینها کار بکنید ...

تاکید ما بر رابطه اسلام مبارز و عدالت اجتماعی و رفاه مردم بیشتر بدان خاطر است که از فضا کسانی در مقام نفی اهمیت رفاه توده مردم در جمهوری اسلامی ایران بر آمده‌اند که خود بیش از همه بر اسلامی بودن افکار و نظریات خویش تاکید می‌گذارند و حتی در مقام دفاع از مکتب و کوشش برای مستحکم



# بیانیه جمعیت ملی استادان دانشگاههای ایران

جمعیت ملی استادان دانشگاههای ایران بیانیه ای درباره انقلاب فرهنگی و تغییر نظام آموزشی انتشار داد. دوشمن تا کید به ضرورت تغییر نظام آموزشی و اصلاح محتوی آموزشی دانشگاهها، خواهان شرکت استادان و معلمان در این امر و با زنگنه می هر چه زودتر دانشگاهها شد.

است: "فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی برای تغییر نظام آموزشی بسیاری از نیروهای استقلال طلب را که همواره و فعالانه انقلاب را تأیید می نمودند! اندامیدوار گردید که بالاخره راه حلی برای تحول بنیادین نظام آموزشی پیدا شده است. جاداشت که از منظر تغییر نظام آموزشی عمدتاً بوسیله استادان، دانشجویان، با همکاری مقامات رسمی و روحانیون و روشنفکران جا معسه صورت پذیرد. این امر مستقلاً ندا زبالا و بدون به حساب آوردن هزاران استاد و معلم که از تحقق برنامه های آموزش آینده را عهده دار خواهند بود دانشجوین و جوانان کشور که موضوع آموزش و پرورش اندا انجام گیرد..."

جمعیت ملی استادان دانشگاههای ایران قیل از ایجاد ستاد انقلاب فرهنگی اعلام کرده بود که "معتقدیم که تغییر بنیادین درست و متناسب تنها با نظر متخصصین مستعد به استقلال فرهنگی امکان پذیر است" و در همین رابطه پس از تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، جمعیت ما همکاری خود را با آن ستاد طی نامه مورخه ۱۳۵۹/۴/۵ که از طرف ستاد اکنون بلا جواب مانده است اعلام داشت.

استادان دانشگاه چشم خود را به ستاد انقلاب فرهنگی دوخته اند تا ببینند این ستاد بدون استفاده از نیروی عظیم متخصصین دانشگاهی باقی مانده از مراحل پاکسازی بالاخره چه تصمیمی را برای دانشگاههای ایران خواهد گرفت. خیل عظیم استادان اینک پس از جواب گویی به پرسشنامه ها تص ستاد در انتظار رندگی بالاخره جای خود را برای امر با زسازی کشور با زیا بند، آنان با وجود اینکه ترجیح میدادند که خود در برنامهریزی سهیم باشند ولی هنوز هم در انتظار برنامها اند. جمعیت ما نگران آنست که جوانان تحصیل طلبی که اینک در این شرایط تاریخی حساس بر جامه ما سایه افکنده است، بدانگاهها نیز سربایت نمایند و اقدامات خود سراسر اندا انحصار طلبیان خریات سختی بر پیکر نهاد های آموزشی کشور و آردا وردگی نتایج آن در آینده غیر قابل جبران گردد.

جوانان تحصیل طلبی استادان را به موقع نیاس و نا امید و ناراضا ییستی سوق داده و اگر انقلاب فرهنگی نتواند استادان را جذب نماید بزودی هر چه استادان سابقه خدمت ۱۵ ساله بیابالا وجود دارد از دانشگاه بیرون خواهند رفت و سرمایه علمی کشور دچار آنچنان ضعیفی خواهد شد که معلوم نیست سرانجام آموزش عالی به گجا خواهد انجامید. جمعیت ملی استادان دانشگاهها نظرات خود را برای حل بحران کنونی دانشگاهها به صورت زیر اعلام میدارد:

- ۱- ما برآنیم که دانشگاهها با یستی هر چه زودتر با زشودنا دیر نشده است با برنامهای که بد وسیله دست اندرکاران آموزش عالی و متناسب با نیازمندیهای جامعه امروزان تدوین خواهد شد شروع به فعالیت آموزشی و تحقیقاتی نماید.
- ۲- در زمینه پاکسازی معیارهای همگانی برقرار گردید که همانا تعهد دانشگاهیان نسبت به علوم و وظیفه انسانی و میهن دوستی و خدمت به انقلاب اسلامی ایران بدور از هر نوع وابستگی به قدرتهای خارجیست میباید شد. پاکسازی بنیادین بعنوان جماعتی بالای سردان دانشگاهیان نگهداشته شود تا روحیه نقادانه و وطنبگی را که از سنتهای دیرین اسلامی و ایرانی است در آنها تضعیف کند.
- ۳- دانشگاهیان نیز با یستی توجه داشته باشند که هر انقلابی مشکلات خود را همراه داشته و احتیاج به فداکاری و ایثار دارد. لذا دانشگاهیان نباید بیعتی بیعت اشتباهات و ندانمکاریها و بعضاً سوسنیتها دلسرد شوند و از خدمت به انقلاب اسلامی ایران سرباز زنده که در غایت امر تا خادجینین موضعی بمنتافع جامعه و خود دانشگاهیان زیان وارد نخواهد آورد.

جمعیت ملی استادان دانشگاههای ایران از طرف شورای اجرائی

## وحدت آری...

از صفحها اول ندارد ما مرتباً از مکتب صحبت کنیم و آن را مبنای هر گونه وحدتی قرار دهیم لکن ندانیم که از آن چه می فهمیم و از آن چه می خواهیم و برای تحقق آن چه می کنیم، یعنی درباره برنامه سیاسی خودمان جهت تحقق مکتب سخنی نگوئیم و یا به آن توجه کافی نکنیم. روشن کردن درکها و بحث در مورد برنامه سیاسی و معیارهای وحدت سیاسی نیروها، از همه اینها گذشته یک فایده عظیم هم دارد و آن روشن کردن نودها است که در اکثریت عظیم خود مکتب شناس و ایدئولوژیک نیستند بلکه می خواهند ببینند این یا آن مکتب چه برنامه مشخصی برای پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی آنها در آستین دارد و نتایج در صورتی. به این یا آن مکتب واقعا معتقد شده و به آن وفادار میمانند که مدعیان آن از عهده مشخص کردن خواسته های معنوی و بخصوص مادی آنها برآیند و آنها را بعمل در آورند. با اعتقاد ما، وحدت در هر مرحله ای بر اساس برنامه مشخص سیاسی که جوابگوی نیازهای انقلاب در آن مرحله مشخص باشد امکان عملی می یابد، یعنی زمانی راه برای وحدت باز می شود که طرفین بیایند و روشن بگویند چه می خواهند و چه نمی خواهند، چه نقشه و برنامه ای برای پیشبرد امر دارند و بگویند تا در این زمینه، یعنی در زمینه برنامه مشخص عملی جهت خدمت به انقلاب و امر توده ها به نظر واحدی برسند. در اینجا است که سره از ناسره واقعا تشخیص داده میشود و ادعا از اعتقاد واقعی جدا میشود و

## گروگانها...

از صفحها اول نداشت و فقط بدنیال گروگانها بود که حالا، ملت ایران باید از این کشف بزرگ مطلع گردند. عده ای دیگر می گویند نخیر این راه حلی که با محاسبه مجموعه فاکتورهای سیاسی و اقتصادی و غیره در نظر گرفته می شود لیبیرال مناشانه است و راه انقلابی، محاکمه گروگانهاست. و بالاخره دسته سومی که جرات ندارند سر مخالفت علنی بردارند غرولند خود را روی صحت گروگانگیری متمرکز نوده اند. خلاصه همه این باصلاح انقلابیون دوا نشه مخالف آنند که گروگانگیری خانته باید و راه حل آنها ادامه گروگانگیری است و همان راه حل ابرقدرتها یعنی ادامه شرایط نه جنگ و نه صلح را مطرح می کنند. عبارات ساده تر آنها معتقدند که گروگانها نه آزاد شوند و نه فرضا با محاکمه و حتی اعدامشان خیال همه راحت شود. دلیل آن نیز روشن است. زیرا اینها از این نمند کلاههای زیادی را نصیب خود کرده و می کنند. منطق نه جنگ و نه صلح که ابرقدرتها مرسوم نموده اند اساس بر سودجویی قرار دارد و وضعی است که در آن هر کس می گوشت دائمی "به نفع خویش و اهداف خود بهره گیرد".

دارو دسته گیانوری که سالوسانه میگویند مسئله گروگانها باید طبق نظر امام حل شود و ارائه هر راه دیگری غلط است، با طرح "امریکا ایران را می خواهد نه گروگانها را"، و یا تا کید بر نظر کسانی که می گویند اگر در برابر امریکا ضعف نشان دهیم جری ترمی شود، عملاً آب به آسیاب ادامه گروگانگیری می ریزند. چرا که آنها ادامه گروگانگیری و آغاز دیگر اقدامات جنجالی ضد امریکائی را بر سیاست عمومی شوروی منطبق می دانند. نکته ای که مفضل در نامه وزیر خارجه ایران به مجلس توضیح داده شده است. مخالفین دیگر نیز موافق نه جنگ و نه صلح اند زیرا ادامه این وضعیت را برای منافع قدرت طلبانه خود که با بعضی تعابلات آشکار و نهان تأمین به شوروی آمیخته شده، مناسب می یابند.

امروز بر مبنای تمام واقعیات موجود بین المللی و به علل گوناگون کشور ما با مخالفت های زیادی روبروست و در ابرقدرت امریکا و شوروی هر یک به تناسب هدف و حال خود از این مخالفتها علیه ایران بهره می برند. سیاست نه جنگ و نه صلح بر سر مسئله گروگانها نه تنها به تغییر مثبت این وضع یعنی برفع کشور ما تمام نمی شود بلکه ایران متحمل فشارهای بیشتری می گردد، که سودش به جیب همان ابرقدرتها می رود. بنابراین اکنون که امریالیسم امریکا با تحمل شکست بزرگی در ایران و بدنیال آن شکست سیاسی جنگ و دندان نشان دادند بر سر گروگانها مجبور گردیده بطور ضمنی شرایط امریکا را بپذیرد، باید با طرد سیاست نه جنگ و نه صلح بر طبق چهار شرط رهبری، ماحر ای گروگانها را بیابان رساند و در این دعوی سیاسی بیروزی را نصیب ایران گردانند.

حرف از عمل امکان تمایز می یابد. در اینجا، یعنی بر سر برنامه مشخص عملی هر مرحله، جهت پیشبرد انقلاب و خدمت به توده ها، دیگر همه استقلال طلبان همه مؤمنان به انقلاب و همه کسانی که واقعا می خواهند در جهت ادامه پیروزی انقلاب قدم بردارند، صرف نظر از ایدئولوژی خود، می توانند بر اساس یک برنامه واحد توافق و وحدت کنند، در صورتی که برعکس ما خواهیم دید که حتی وقتی پای برنامه مشخص عملی به میان کشیده میشود، میان برخی مدعیان یک مکتب واحد جدائی همانقدر عمیق میشود که اختلاف جهان بینی میان معتقدان به مکتب های متفاوت عمیق است. پس وحدت سیاسی مبنای اتحاد هر چه وسیعتر خلق و نیروهای استقلال طلب جامعه، مبنای اتحاد بزرگ ملی سه جریان اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی، و سوسیالیسم انقلابی است، سه جریان ملی که علیرغم اختلاف ریشه ای خود در ایدئولوژی می توانند و از نظر تاریخی ناگزیرند که در برابر دشمنان عمده و مشترک انقلاب، برای از میان برداشتن موانع راه انقلاب، یعنی برای تحقق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی با هم متحد شوند. این وحدتی موقتی و لحظه ای نیست، بلکه بر عکس وحدتی استراتژیک و دراز مدت است. لیکن، وحدت ایدئولوژیک یعنی مثلا "وحدت صرفا میان هواداران اسلام، نه تنها به وحدت بزرگ خلق و وحدت وسیع نیروهای استقلال طلب نمی انجامد، بلکه امر وحدت خود مسلمانان مبارزان نیز، چنانچه می بینیم، دچار اشکال کرده و مانع از آن میشود.

بنی صدر اعلام شدوی زجمله کسانی بوده که در کشف کودتا نقش موزی داشته است. تصور که شواهد نشان میدهند دستگیری اخیر تیمسار با قری نیز بی ربط با آن جریان مشکوک گذاشتی نیست و همان دست هادر کار اند. دستگیری تیمسار با قری چند سوال را در اذهان بوجود می آورد:

- ۱- کدام گروه و یا چه مجوزی دستور با زداشت تیمسار با قری را صادر کرده و گروه یا ساداران مستقر در فرودگاه به چه حسابی مجری این دستور میشوند؟
- ۲- در حالیکه از اخطار ما مخمینی در ارتباط با نحوه و ضوابط با زداشت نظام میان هنوز چند روزی بیشتر نگذشته است، این گروه ها چگونه و با کدام میتوانه جرات می کنند تا دستور با طیح اما مر ازیر با بگذارند و اقدام به دستگیری تیمسار با قری بدون اطلاع رئیس جمهور نمایند؟
- ۳- در حالیکه ارتش ایران درگیر نبرد سهمگینی در غرب کشور است، و به پشتیبانی عمیق معنوی محتاج است با دستگیری اهان تا میز و مذاقانی یکی از افسران ارشد ارتش، دست اندرکاران این گونه عمل جدا گیری می خواهند بر روی ارتش بگذارند و بچه کسان می خدمت می کنند؟
- ۴- آن روزنامه های شبه انقلابی، که خیر مربوطه را آنطور که خودشان میخواهند منتشر میکنند، با حرکت از کدام تعالیم، شایعه پراکنی می کنند دروغ می نویسند و از این عمل ضد انقلابی پشتیبانی می نمایند؟ اینها همه سوالاتی است که با ید پاسخ گفته شده و با لاف زدن روشن شود صاحب اختیارانی که برای دستور ما مگوچترین ارژنی قائل نیستند، حکم رئیس جمهور را هیچ می انگارند و برای توده مردم دروغ سرهم می کنند چه کسانی هستند، چه نقشه ای در سردارند و کشور را بکجا می خواهند بکشند، ما این اقدام ضد قانونی و ضد انقلابی را شدیداً محکوم میکنیم و مصرأ خواستار پیشگیری و مجازات دست اندرکاران اصلی آن هستیم. هیچ بهانه ای این عمل خود سارانه را توجیه نمی کنند زیرا که قانون دستورات امام جواد علی عمل خود ساریان را دقیقاً معلوم کرده اند. کوچکترین مسامحه ای در برابر این بی قانونی ها که بطور روزمره در کشور اتفاق می افتد معنای دیگری جز تأیید آنها و نتیجه دیگری جز ادا مه در دناک و تشدید وضع نا بسامان کنونی ندارد.

# فرمانده سابق نیروی هوایی آلمان شرقی با اتهام جاسوسی در فرانسه دستگیر شد

مقامات رسمی دولت فرانسه یکشنبه گذشته اعلام کردند که فرمانده سابق نیروی هوایی آلمان شرقی که با زنتشته میباید شدیک ماه پیش با آنها جاسوسی زندانی شده است. هینز برن هارد زورن ۸۸ ساله، دو مین مورد کشف جاسوسان آلمان شرقی در سال جاری است. بگفته این مقامات ژنرال زورن در ۲۸ مرداد گذشته توسط موریس فدجا سوسی در خیابان شهر "لیل" که یک شهر صنعتی است و در ۸۰ کیلومتری شمال پاریس واقع شده دستگیر شد. موریس فدجا سوسی وی دستگیری وی مدارک نظامی مربوط به تانک و سلاحهای ضدتانک فرانسوی را که با خود حمل میکرد کشف کردند. وی پس از دستگیری به ستاد ضد جاسوسی و ستاد خارجی برده شده و پس از عروضا ز طرف دادگاه امنیت دولتی محاکمه و محکوم به جاسوسی و رابطه با ما موریس یک قدرت خارجی گردید. در ماه گذشته نیز دولت فرانسه دودیلیمات آلمان شرقی را به جاسوسی در صنعت نفت از جمله طرحهای نگهداری حمل و نقل موا دشتنی متهم کرد. دودیلیمات روسی نیز در دو مورد جدا گانه در فوریه گذشته با آنها جاسوسی اخراج شدند.

# تسلیم

با نهایت تاسف اطلاع یافتیم که خانم زهرا مجتهد شیبتری دختر ۱۸ ساله حجت الاسلام محمد مجتهد شیبتری نما یبنده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی هنگام زنگشت از بهشت زهرا در روز پنجشنبه گذشته در یک حادثه ناگوار رانندگی درگذشت. ما این حادثه دردناک را به حجت الاسلام محمد مجتهد شیبتری و خانواده ایشان تسلیت می گوئیم و خود را در غم و اندوه ایشان شمیم شریک میدانیم. هیات تحریر